

مؤلفه‌های موفقیت در نقش مادری براساس منابع اسلامی

Components of Success in the Mothering Role Based on Islamic Sources

Jafar Houshyari¹
Hossein Elahi²
Hasan Taqiyan³

جعفر هوشیاری^۱
حسین الهی^۲
حسن تقیان^۳

Abstract

This research was conducted with the aim of extracting and explaining the components of success in the mothering role based on Islamic sources. To achieve the research objective, verses and narrations related to the subject were extracted and analyzed, and the components and subcomponents of success in the mothering role were identified and analyzed through a religious-psychological inference method. The findings of the research showed that: a) To succeed in her role, a mother must possess characteristics in four dimensions: biological-psychological, cognitive, emotional, and behavioral, which are referred to as the competence components in the mothering role; b) Each of these components has subsets known as competence subcomponents. The biological-psychological subcomponents include physical health and mental health; the cognitive subcomponents encompass the cognitive readiness for motherhood and the acceptance of the mothering role; the emotional subcomponents include heartfelt acceptance of the child and compassion towards the child; and the behavioral subcomponents consist of love for the child, patience, active presence alongside the child, tolerance towards the child, being responsive, maintaining chastity, behavioral moderation, honesty and keeping promises, coordination with the spouse in child-rearing, and justice in the mothering role.

Keywords: mother, mothering role, components, characteristics, Islamic sources.

1. Assistant Professor of the Psychology Department, Faculty of Islamic humanities and social sciences, Al- Mustafa International University, Qom, Iran.

2. (Corresponding Author): Ph.D. Student of Quran and Psychology, Faculty of Islamic humanities and social sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Email: hoseynelahi@chmail.ir)

3. Assistant Professor of the Psychology Department, Faculty of Islamic humanities and social sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Received Date: 2024 January 31

Acceptance Date: 2024 February 18

چکیده

پژوهش حاضر با هدف استخراج و تبیین مؤلفه‌های موفقیت در نقش مادری براساس منابع اسلامی سامان گرفت. برای دستیابی به هدف پژوهش، آیات و روایات مرتبط با موضوع تحقیق استخراج و بررسی شد و مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های موفقیت در نقش مادری استخراج و به روش استنباط دینی، روان‌شناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد: الف) مادر برای موفقیت در نقش خود باید در چهار بُعد زیستی، روانی، شناختی، عاطفی و رفتاری ویژگی‌هایی داشته باشد که از آنها به مؤلفه‌های شایستگی در نقش مادری تعبیر می‌شود؛ ب) هر کدام از این مؤلفه‌ها دارای زیرمجموعه‌هایی هستند که از آنها به زیرمؤلفه‌های شایستگی یاد می‌شود. زیرمؤلفه‌های زیستی، روانی شامل سلامت جسمی و سلامت روانی است؛ زیرمؤلفه‌های شناختی، آمادگی شناختی برای مادر شدن و پذیرش نقش مادری را در برمی‌گیرد؛ زیرمؤلفه‌های عاطفی مشتمل بر پذیرش قلبی فرزند، دلسوزی نسبت به فرزند می‌باشد و زیرمؤلفه‌های رفتاری عبارت‌اند از: محبت کردن به فرزند، صبر و بردباری، حضور فعال در کنار فرزند، مدارا کردن با فرزند، پاسخگو بودن، پاکدامنی، اعتدال رفتاری، راستگویی و عمل به وعده، هماهنگی با همسر در تربیت فرزند و عدالت در نقش مادری.

واژگان کلیدی: مادر، نقش مادری، مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها، منابع اسلامی

۱. استادیار گروه روانشناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. (نویسنده مسئول) دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. Email: hoseynelahi@chmail.ir

۳. استادیار گروه روانشناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹

مقدمه

خانواده به عنوان زیربنای جامعه بشری، نخستین کانون رشد و آرامش بشری (جوادی آملی، ۱۳۹۱) و از عوامل اصلی انتقال فرهنگ، سنت و ارزش هاست که الگوهای جسمی، عاطفی و شخصیتی کودک به واسطه آن پی‌ریزی می‌شود (توزنده جانی و همکاران، ۱۳۹۰). نقش خانواده در ابعاد مختلف بهداشت روانی و سلامت شخصیت کودک از سایر عوامل مهم‌تر و مؤثرتر است. هرچند در فرآیند رشد و تکامل فرزند، همه اعضای خانواده نقش دارند، اما بیشترین سهم تأثیرگذاری وراثتی و تربیتی از آن مادر است (فلسفی، ۱۳۹۵). مادر نقش بیشتری در بهداشت، سلامت روان، رشد و تربیت کودک دارد؛ زیرا نخستین رابطه مستقیم کودک با مادر است و دامن پرمهر و محبت او نخستین مدرسه و اولین مرکز تعلیم و تربیت کودک به شمار می‌رود. مادر نیازهای کودک را تأمین می‌کند، به خواسته‌های او پاسخ می‌دهد و کودک از عواطف، احساسات و نگرش‌های او بیشترین تأثیرپذیری را دارد؛ بنابراین وظیفه مادر در برابر کودک بیشتر و سنگین‌تر از دیگران است (فاسمی، ۱۳۸۲) و در منابع اسلامی سعادت و شقاوت فرد به مادرش نسبت داده شده است (پاینده، بی‌تا). در بیشتر جوامع مادر نقش نسبتاً بیشتری نسبت به پدر در رشد فرزند و مراقبت از وی دارد (حلی‌ساز و دیگران، ۱۳۹۴). در ایران نیز مانند بسیاری از کشورها، روابط کودک با والدینش تا حد زیادی با مادر است. مادر با القائات خود جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی آینده فرزند خود و جامعه را می‌سازد و زمینه را برای اصلاح یا افساد فرزند فراهم می‌سازد. کامروایی، احساس امنیت، آرامش و استقلال کودکان بستگی به وجود مادر دارد (علایی‌رحمانی و معتمدی لنگرودی، ۱۳۹۴). مادر و نقش مادری از جمله مباحثی است که در علوم گوناگون همچون روان‌شناسی به آن پرداخته شده است. فروید اظهار داشت که نخستین شیء ارضاکنده غریزه در زندگی کودک، پستان مادر است و بعدها مادر به صورت یک فرد کامل، شیء می‌شود. آلفرد آدلر^۱ به اهمیت نقش مادر به عنوان نخستین شخصی اشاره می‌کند که کودک با او تماس می‌گیرد و معتقد است مادر در پرورش دادن علاقه اجتماعی و جنبه‌های دیگر شخصیت کودک نقش مهمی دارد. ملانی کلین^۲ بر این باور است که کودک در آغاز فقط با بخش‌هایی از اشیاء رابطه برقرار می‌کند و برای آنها، نخستین بخش از چنین شیء، پستان مادر است. دنیای بچه به صورتی که توسط این بخش از شیء بازنمایی می‌شود، به صورت ارضاکنده یا

1. Alfred Adler

2. Melanie Klein

متخصص برداشت می‌شود. راجرز اهمیت رابطه مادر-کودک را عاملی می‌داند که بر احساس کودک از بالندگی خویش تأثیر می‌گذارد. راجرز در نظریه خود نیاز به توجه مثبت^۱ را مطرح کرد. این نیاز شامل محبت و تأیید شدن از سوی مادر می‌شود. اگر مادر به فرزند توجه مثبت نکند، از گرایش فطری کودک به شکوفایی و رشد خودپنداره جلوگیری خواهد شد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۶).

در منابع اسلامی یکی از بالاترین ارزش‌های زن که به جنسیت آنان مربوط می‌شود، فرزندآوری و نقش مادری اوست (حر عاملی، ۱۴۰۹). مادر بودن یک ارزش به شمار می‌رود که به دلیل ویژگی‌های زیستی و روانی بر دوش زنان نهاده شده است (علاسوند، ۱۳۹۹). در جهت تحقق این هدف برای مادر مسئولیت‌ها و ویژگی‌هایی در نظر گرفته می‌شود. یک مادر باید از مسئولیت‌ها و ویژگی‌های خود به عنوان ضرورتی برای موفقیت در ایفای نقش مادری آگاه و به آنها پایبند باشد. با توجه به اینکه فرزند شایسته پرورش یافته دامن مادر شایسته است و چنین افرادی سلامت جامعه را تأمین خواهند کرد، بدین ترتیب نبود الگویی برای مادر ضررهای جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. بدون وجود مادران رشد یافته و شایسته، خانواده و جامعه به رشد و پیشرفت لازم نخواهند رسید و با شایستگی مادر، نه تنها خود او بلکه همسر و فرزندانش و حتی جامعه نیز بهره‌مند خواهند شد (کاوه، ۱۳۸۷). یک مادر برای اینکه بتواند رسالت بزرگ خود را به نحو شایسته انجام دهد، باید دارای مؤلفه‌های مطلوبی باشد؛ زیرا موفقیت در نقش مادری، نیازمند دانش، مهارت و انگیزش است و فقدان آنها به نقص در قابلیت‌های مادر شدن می‌انجامد (امیدوار و لیراویانی‌نژاد، ۱۳۹۷). با توجه به اهمیت، جایگاه و نقش مادر در سلامت همه جانبه فرد، خانواده و اجتماع در تعالیم و آموزه‌های اسلامی، ویژگی‌هایی برای مادر بیان شده که ضروری است مادران برای موفقیت در ایفای نقش خود به آنها آراسته باشند؛ زیرا اگر در نظام خانواده، مادر در جایگاه و موقعیت شایسته و متناسب خود قرار نگیرد و به ویژگی‌های خویش آراسته نباشد، آن خانواده به اهداف و کارکردهای مورد انتظار خود نخواهد رسید و دچار نوعی بحران مدیریتی خواهد شد (علایی‌رحمانی و معتمد لنگرودی، ۱۳۹۴).

درباره مادر و نقش مادری پژوهش‌هایی انجام شده است؛ برای نمونه: ربانی‌اصفهانی و بانکی‌پورفرد (۱۳۹۵) در پژوهش «تحلیل کیفی جایگاه و اخلاق مادری در تفسیر نمونه» با روش تحلیل مضمون به بررسی مفهوم مادر در تفسیر نمونه پرداخته‌اند؛ علایی‌رحمانی و

معمد لنگرودی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تعامل و نقش زن در خانواده به مثابه همسر و مادر در پرتو آموزه‌های رضوی» به بررسی تعامل و نقش همسری و مادری زن در آموزه‌های رضوی پرداخته‌اند؛ سراقی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش «مادر از نگاه اسلام و روان‌شناسی و تعیین مؤلفه‌های نقش مادری براساس متون دینی» به تعیین مؤلفه‌های نقش مادری براساس متون دینی پرداخته‌اند. در این پژوهش به بررسی برخی مؤلفه‌های نقش مادری تحت سه سازه اصلی پذیرش، محافظت و پرورش پرداخته شده است، ولی به بررسی مؤلفه‌های زیستی- روانی، شناختی، عاطفی و رفتاری مادر برای موفقیت در نقش مادری نپرداخته‌اند؛ هوشیاری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های مادر شایسته در اسلام و روان‌شناسی» به تبیین ویژگی‌های مادر شایسته از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی پرداخته است ولی نیاز به بازبینی، اصلاح، تقویت و تکمیل ویژگی‌ها دارد؛ عیسی‌زاده (۱۳۹۰) در کتاب «خانواده قرآنی، ویژگی‌ها و وظایف اعضای آن» به کلیاتی درباره خانواده و ارزش و جایگاه تشکیل آن از نظر روایات پرداخته است؛ قائمی (۱۳۸۷) در کتاب «نقش مادر در تربیت» به بررسی نقش‌های زن، همسر، مادر، اهمیت مادری و اشتباهات مادری پرداخته و ویژگی‌های یک مادر خوب را مختصر بیان کرده است. با توجه به ناکافی بودن تحقیقات انجام شده و خلأ علمی که در این باره به منظور استخراج مؤلفه‌های موفقیت در نقش مادری به عنوان منشأ سعادت فرد و جامعه و آشنایی زنان و مادران با آن ویژگی‌ها وجود دارد، انجام چنین تحقیقی ضروری است. این پژوهش افزون بر رفع خلأ یادشده و کمک به محققان می‌تواند منبعی برای تدوین متون آموزشی مادران و دختران جوان در سن ازدواج باشد؛ بنابراین پژوهش حاضر در پی آن است که با بررسی منابع اسلامی به استخراج مؤلفه‌های موفقیت در نقش مادری بپردازد.

روش پژوهش

روش این پژوهش را می‌توان به جهت تحلیل و توصیف آموزه‌های دین در موضوع مادر یک تحقیق «توصیفی-تحلیلی» دانست. در پژوهش حاضر که به دنبال استخراج مؤلفه‌های موفقیت در نقش مادری براساس منابع اسلامی می‌باشد؛ از روش استنباط دینی-روان‌شناختی استفاده شده است. استنباط دینی به عنوان یکی از روش‌های پژوهش برای استخراج استنباط آموزه‌های دینی از منابع معتبر (قرآن و روایات) به شمار می‌آید؛ بنابراین برای تبیین ویژگی‌های مادر شایسته، آیات قرآن کریم، تفاسیر و روایات معصومین علیهم‌السلام به روش استنباط

دینی - روان‌شناختی جمع‌آوری، دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش

مادر برای دستیابی به موفقیت در نقش خود باید دارای مؤلفه‌های خوبی باشد تا بتواند رسالت بزرگ خود را به نحو شایسته انجام دهد. در تعالیم و آموزه‌های اسلامی در چهار بُعد زیستی-روانی، شناختی، عاطفی و رفتاری مؤلفه‌هایی برای مادر بیان شده است. هر یک از این مؤلفه‌ها دارای زیرمجموعه‌هایی هستند که از آنها به زیرمؤلفه‌های موفقیت در نقش مادری یاد می‌شود.

۱. مؤلفه زیستی-روانی

منظور از مؤلفه زیستی-روانی هر صفت، توانایی و قابلیت زیستی-روانی می‌باشد که برای موفقیت در نقش مادری ضرورت دارد. سلامت جسمی و روانی مهم‌ترین ویژگی مادر برای موفقیت در نقش مادری است.

۱-۱. سلامت جسمی

مادر در قبال فرزندان وظایفی به عهده دارد و باید بتواند نقش خود را به بهترین شکل ایفا کند. هر چیزی که مانع از ایفای مطلوب نقش وی شود و به کودک آسیب رساند، او را از شایستگی در این مسیر بازمی‌دارد. بیماری‌های جسمانی مادر مانند سرخچه و اوریون احتمال سقط جنین، نارسایی قلبی و گوارشی و عقب‌ماندگی نوزاد را افزایش می‌دهد. بیماری‌های مقاربتی و ایدز ممکن است به نوزاد سرایت کند و او را به عقب‌ماندگی ذهنی و نابهنجاری بدنی دچار سازد. یکی از مؤلفه‌های شایستگی مادر در نقش خود سلامت جسمی وی می‌باشد. ضروری است که مادر، صلاحیت‌های لازم جسمی و قدرت انجام وظایف مربوط به خود را داشته باشد تا آسیبی به فرزندش وارد نیاید. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: زمانی که کودک قدرت بر حرکت، برخاستن و تغذیه ندارد؛ خداوند متعال قدرت انجام چنین کارهایی را در مادر قرار می‌دهد تا ناتوانی کودک در این زمینه جبران شود (مجلسی، ۱۴۰۳). اکنون، چنانچه مادری به خاطر نقص یا بیماری جسمی توانایی انجام وظایف مربوط به تربیت و رسیدگی به امور فرزند را نداشته باشد، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به او وارد می‌کند. با وجود برخی بیماری‌های جسمی که به ناتوانی مادر در انجام وظایف مربوط به تربیت و مراقبت از فرزند

می‌انجامد، حق حضانت و سرپرستی ساقط می‌شود که یکی از مهم‌ترین وظایف مادر است؛ همچنین اگر با بیماری مسری سرپرست، صحت جسمانی طفل در معرض خطر قرار گیرد، بدین صورت که بیماری به طفل سرایت کند و موجب اضرار او شود، یا اینکه سرپرست به خاطر بیماری صعب‌العلاج نتواند از طفل نگهداری کند، حق حضانت وی ساقط می‌شود (موسوی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۳). دلیل این امر قاعده «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (کلینی، ۱۴۲۹) و اطلاق آیه شریفه «لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا» (بقره/۲۳۳) است که بنابر معلوم بودن فعل «لَا تُضَارُّ» معنای آیه این‌گونه می‌شود که مادر نباید به فرزند خود آسیب برساند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵). به موجب آیات و روایات و حکم عقل، وارد کردن ضرر بر فرزند نفی شده است. فقهای اسلامی در کتب فقهی خود، برخی از مصادیق بیماری‌های جسمی را ذکر کرده‌اند که موجب اضرار به کودک و سلب حضانت والدین می‌شود؛ برای نمونه برخی از آنان سل^۱ و فلج را به عنوان امراض مزمن مطرح کرده‌اند. گروهی دیگر برخی از امراض مسری ساری و خطرناک همچون پسی یا برص^۲ و جذام^۳ را متذکر شده‌اند. عده‌ای دیگر ضمن بیان این نکته که سرپرست طفل باید توانایی انجام این کار را داشته باشد، نابینا بودن را موجب سقوط حضانت دانسته‌اند که ویژگی مشترک تمام آنها، ناتوانی در انجام امور مربوط به حضانت و سرپرستی کودک به دلیل مزمن و صعب‌العلاج یا ساری و خطرناک بودن آنهاست (موسوی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۳).

۱-۲. سلامت روانی

والدین نه تنها انتقال‌دهنده صفات ژنتیکی به فرزندان هستند، بلکه ملکات اخلاقی و ویژگی‌های روانی را نیز به صورت اپی‌ژنتیکی به فرزندان منتقل می‌کنند (علم‌الهدی و همکاران، ۱۳۹۶). احوال روانی مادر در حالات روانی، شخصیت و آینده کودک مؤثر خواهد بود و یکی از ویژگی‌های مادر و از عوامل تأثیرگذار در رشد کودک «سلامت روانی» است؛ همچنان‌که مادر باید از لحاظ جسمی سالم باشد، از لحاظ روانی نیز باید دارای سلامت نسبی برای اداره و تدبیر امور فرزند باشد. سلامت روانی مادر به رشد شناختی و کارکردی فرزند کمک می‌کند و این امکان را به کودک می‌دهد که روابط سالم‌تری در خانواده و جامعه تجربه کند. مادری که از سلامت روان برخوردار باشد، احتمال بیشتری دارد که فرزندان سالم پرورش دهد (کرین، ۱۳۹۰). تا

1. Tuberculosis
2. Vitiligo
3. Leprosy

مادر سلامت روانی نداشته باشد، نخواهد توانست بهداشت روانی خانواده را تأمین و فرزندان سالم تربیت کند؛ زیرا برخورداری از این ویژگی، انسان را شایسته مسئولیت‌پذیری می‌کند و چه مسئولیتی بالاتر از تربیت فرزندان که سلامت جامعه در گروه سلامت آنان است. مادرانی که به انواع آسیب‌های روانی مبتلا هستند، از وابستگی تا اسکیزوفرنی - دارای فرزندان هستند که بیشتر در معرض مشکلات روانی قرار دارند؛ برای نمونه فرزندان والدین افسرده، بیشتر در معرض خطر افسردگی و اختلال‌های دیگر قرار دارند (باچر و همکاران، ۱۳۸۸). فرزندان والدین پرخاشگر و تکانش‌گر نیز به احتمال بیشتری مبتلا به همان مشکلات می‌شوند؛ زیرا تأثیر وراثت و پایه‌های زیستی را نمی‌توان نادیده گرفت (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵).

براساس منابع اسلامی، مربی کودک که مادر نخستین مربی وی به شمار می‌رود، نباید دارای اختلالات روانی همانند پرخاشگری باشد؛ زیرا تربیت همراه با خشم و عصبانیت بی‌فایده است (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰). در تعالیم و آموزه‌های دینی تأکید بسیاری بر انتخاب همسر دیده می‌شود که بخش عمده آن به منظور فراهم آوردن زمینه مناسب برای فرزندآوری و پرورش فرزند سالم از ابعاد روانی و اخلاقی است؛ برای نمونه ازدواج با فرد دارای بهره هوشی پایین، مجنون یا دچار روان‌گسستگی نهی شده که دلیل آن تأثیر چنین افرادی در نسل آینده بیان شده و در صورت ازدواج با این افراد توصیه شده است که به دنبال تولید نسل از آنان نباشند چون فرزندان سالمی نخواهند داشت (کلینی، ۱۴۲۹). اختلال روانی به همه نابهنجاری‌های روانی گفته می‌شود که با اختلال در عملکرد همراه است؛ برای نمونه افسردگی گونه‌ای از اختلال روانی با ویژگی غالب تغییر در خلق و خو می‌باشد. اختلالات روانی، طیف بسیار گسترده‌ای از بیماری‌ها را دربرمی‌گیرند، اما از آنجا که جنون یکی از اقسام بیماری‌های روانی و شدیدترین نوع آن است، بیشتر فقها اتفاق نظر دارند که سرپرست و مربی کودک نباید دیوانه و مجنون باشد (نجفی، ۱۳۹۳)؛ زیرا مجنون قادر به تأمین مصالح خود نیست تا چه رسد به مصالح دیگران. این مسئله به قدری اهمیت دارد که در منابع اسلامی از خوردن شیر زنان مجنون به دلیل تأثیرگذاری آن در کودک نهی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «تَوْقُوا أَوْلَادَكُمْ لَبَنِ الْبَغِيَّةِ وَ الْمَجْنُونَةِ، فَإِنَّ اللَّبَنَ يَعْدِي؛ از شیر زنان بدکاره و مجنون برای فرزندان پرهیز کنید، زیرا شیر اثر خود را می‌گذارد» (شیر، ۱۴۲۸). از آنجا که فقدان سلامت روانی مانع از ایفای کامل نقش همسری و مادری و از عوامل اختلاف در خانواده است (ساروخانی، ۱۳۹۳)؛ از این رو، چنانچه پس از ازدواج

مشخص شود که یکی از زوجین جنون دارند، برای طرف مقابل حق فسخ ازدواج قرار داده شده است (فلسفی، ۱۳۹۵).

۲. مؤلفه شناختی

منظور از مؤلفه شناختی، اوصافی است که در حوزه علم، تفکر، هوش، ذهن، حافظه و تعقل قرار می‌گیرد و مادر را در شناخت و تحلیل مسائل و موضوعات مرتبط با نقش خود توانمند می‌سازد. آمادگی شناختی برای مادر شدن و پذیرش نقش مادری زیرمؤلفه‌های شناختی مادر می‌باشند.

۱-۲. آمادگی شناختی برای مادر شدن

مراقبت و تربیت فرزند افزون بر آمادگی جسمی و روانی به آمادگی شناختی نیاز دارد (نیلی‌پور، ۱۳۹۶). بدون شناخت نمی‌توان مسئولیت و نقشی را پذیرفت و آن را به پایان رساند؛ اما آنچه امروزه بیشتر مورد توجه والدین قرار می‌گیرد، آمادگی جسمی و اقتصادی می‌باشد و آمادگی شناختی مورد غفلت قرار گرفته است (قمی، ۱۴۱۴). اگر کسی بخواهد وارد مسئولیت و نقشی شود، باید با احکام آن نقش آشنا باشد (دهشتی، ۱۳۹۱). زن از لحاظ شناختی باید آمادگی لازم برای مادر شدن را داشته باشد و از تعارضات و باورهای منفی در رابطه با آن خالی باشد؛ زیرا چنین باورهایی احساس و عواطف او را نسبت به بارداری و فرزندآوری تحت تأثیر قرار می‌دهند و آثار نامطلوبی در تربیت فرزند برجای خواهند گذاشت. آموزه‌های دینی با جایگاه و ارزشی که به مادر و فرزندآوری داده‌اند، باورهای منفی نسبت به این جایگاه را از بین برده و دستیابی به مقام مادری را ارزش شمرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۱۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹). مادر باید در زمینه باید‌ها و نباید‌های انعقاد نطفه، حاملگی، نوع تغذیه، مراحل رشد، اصول تربیت و وظایف مادری شناخت لازم را داشته باشد. در منابع اسلامی از همان زمان انعقاد نطفه جهت بالا بردن شناخت مادران به انجام اموری توصیه شده و از انجام برخی رفتارها همچون گفتگو در زمان انعقاد نطفه و احتمال اختلالات کلامی، نگاه به مواضع جنسی و احتمال اختلالات بینایی نهی شده است. آیات و روایات والدین را از انعقاد نطفه در برخی مکان‌ها نهی می‌کنند؛ از آن جمله: زیر درخت میوه، در معرض نور خورشید، مقابل قبله، در مسیر عبور و مرور مردم و در زمان‌های خاص (مجلسی، ۱۴۰۳). مادر باید نسبت به نوع تغذیه خود در ایام بارداری شناخت لازم داشته باشد. میزان بالایی از کودکان ناقص‌الخلقه جهان و کودکانی که دارای نقصان رشد مغزی هستند، مادرانشان در دوران بارداری درست تغذیه نشده‌اند (امینی، ۱۳۸۴). با توجه به آنکه جنین

از مادر تغذیه می‌کند؛ بنابراین مادر در نوع تغذیه باید به فکر خود و فرزندش باشد تا کودک بتواند به خوبی پرورش یابد و استعدادهای درونی خویش را به فعلیت برساند. چنان‌که تغذیه مادر در سلامت و بیماری جنین اثر دارد، در اخلاق خوب یا بد و مقدار هوش و شخصیت کودک نیز تأثیر دارد. در متون اسلامی توصیه‌های غذایی خاصی به دلیل تأثیر آن در اخلاق و شناخت مادر و فرزند بیان شده است. مادر باید نسبت به دوره‌های رشد و اصول تربیتی هر دوره آگاهی و شناخت کافی داشته باشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوره‌های مختلف رشد کودک را جهت آگاهی و بالا بردن شناخت والدین بیان می‌کند: «**الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ؛** فرزند در هفت سال اول سید و آقا، در هفت سال دوم بنده و فرمانبردار و در هفت سال سوم وزیر و طرف شورا است» (مجلسی، ۱۴۰۳). اگر مادر آمادگی شناختی لازم داشته باشد و مراحل رشد، شیوه‌های تربیتی، نیازها و روش درست برآوردن آنها را بداند، می‌تواند فرزند شایسته‌ای تربیت کند. مادر اگر بخواهد به مقام شایستگی دست یابد، باید نسبت به وظایف خود شناخت کافی داشته باشد. شناخت وظایف مربوط به نقش مادری در تعیین راهکارها و رفتارهای پرورش فرزند نقش دارد و رشد فرزند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از بحران‌ها در درون خانواده ناشی از عدم شناخت وظایف و شیوه‌های برقراری ارتباط با فرزندان است. هر چه مادر به شناخت و آگاهی بالاتری از وظایف خود دست یابد؛ اراده قوی‌تری نسبت به انجام وظایف خواهد داشت. براساس آموزه‌های دینی خداوند متعال در برابر هر نعمتی، مسئولیتی را بر عهده انسان قرار داده است و به میزان مسئولیت نیز از انسان بازخواست خواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳). مادر زمانی می‌تواند در انجام مسئولیت خود موفق شود که پیش از هر اقدامی وظایف خود را شناخته باشد؛ زیرا چنین شناختی در کیفیت روابط مادر و کودک دخالت دارد (رحیمی، ۱۳۷۹). مادری که نسبت به وظایف و مسئولیت‌های خود شناخت کافی دارد و از راهکارهای ایفای نقش خود آگاه است، روابط مطلوب‌تری با فرزندش خواهد داشت. چنانچه عدم شناخت والدین نسبت به وظایف خود سبب کوتاهی در ادای حقوق فرزندان شود، منتهی به عواقب وخیمه عقوبت فرزندان خواهد شد (دستغیب، ۱۳۸۵).

۲-۲. پذیرش نقش مادری

تجربه مادری برای زن، نه تنها یک ارزش بلکه کمال است و زنی که تجربه مادری را نداشته باشد، فاقد کمالی است که نمی‌تواند آن را از راه دیگری به دست آورد (صالحیان، ۱۳۹۴). پس

نخستین و مهم‌ترین وظیفه زن، مادری و خانه‌سالاری است (مطهری، ۱۳۸۵)؛ زیرا نقش او در تربیت فرزند بسیار بالاتر از مرد است و خداوند، شریف‌ترین و قوی‌ترین انگیزه (مادری) را که در وجودش قرار داده است (بستان، ۱۳۸۵). نقش مادری مسئولیتی به عهده زن است که پذیرش شناختی این نقش، تأثیر مهمی در تربیت کودکان و در نتیجه سلامت جامعه دارد؛ بنابراین یکی از ویژگی‌های والا و ارزشمند مادر از لحاظ شناختی، پذیرش نقشی است که بر عهده وی قرار داده شده است. پذیرش به این معناست که زن، عهده‌دار مادر شدن و مادری کردن شود (سراقی و همکاران، ۱۳۹۴) و از لحاظ شناختی تعارض جدی با این نقش نداشته باشد. روایات فراوانی زنان را به پذیرش نقش مادری تشویق می‌کنند. رسول اکرم ﷺ بهترین آنان را «زنان فرزندآور» معرفی می‌کند (جرعاملی، ۱۴۰۹)؛ همچنین ایشان در روایت دیگری با بیان ملاک ارزش‌گذاری، جایگاه مادری کردن را معادل جهاد و شهادت در راه خدا دانسته است که با بیان اجر و پاداش آن، زنان را به مادر شدن و مادری کردن تشویق می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳). برای دستیابی به شایستگی در نقش مادری، مادر باید نقش خود را پذیرفته، و به اهمیت والای آن پی برده باشد؛ بنابراین شایستگی در نقش مادری مشروط به پذیرش نقش مادری است. یک مادر نیاز دارد که از نظر روان‌شناختی برای کسب این نقش احساس کفایت کند و حس رضایت از نقش زن بودن خود داشته باشد.

طرحواره‌های درونی انسان موجب تفاوت در افکار، گفتار و رفتار وی می‌شود. زنی که مادری، فرزندآوری و فرزندپروری جزئی از طرحواره درونی او شده باشد؛ در همان راستا، حرکت و عمل خواهد کرد، اما اگر نقش و جایگاه مادری را درونی نکرده باشد، ممکن است همانند برخی فمنیست‌ها به عنوان کاری جزئی و یا مانع پیشرفت به آن بنگرد (فریدمن، ۱۳۸۱). بررسی نگرش تکامل‌گرایانه اسلام به مادر و مادری کردن و اهمیت دوران بارداری و پرورش فرزند و شناخت جایگاه و حقوق مادران، نگرش‌های منفی در این باره را کم‌رنگ می‌سازد (نوری، ۱۳۹۳). مهم‌ترین وظیفه مادر، مادری کردن است و نباید این نقش، فدای وظایف جانبی شود. مادر شایسته، مادری است که به نقش خود ایمان دارد و آن را به عنوان مسئولیتی مهم و مایه افتخار می‌داند. لازمه پذیرش نقش مادری پی‌بردن به اهمیت این جایگاه در اندیشه‌های اسلامی است. در اهمیت جایگاه مادر و نقش مادری همین بس که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران است» (نوری، ۱۴۰۸). در آموزه‌های اسلامی مادر از

ارزش و جایگاه بالایی برخوردار است و هنگامی که این نقش از سوی بانوان پذیرفته می شود، نشان دهنده کمال عقلی آنها و رسیدن به بلوغ لازم می باشد. در آموزه های اسلامی، فرزندآوری و مادری ارزش شمرده شده و برای آن اجر و پاداش فراوانی همچون جهاد در راه خدا در نظر گرفته شده است (جرعاملی، ۱۴۰۹)؛ ولی در برخی اندیشه های غربی مادری مانعی برای تکامل و پیشرفت است (فریدمن، ۱۳۸۱). از دیدگاه اسلام، زن در مقام مادری به اوج والایی و شکوه می رسد. حضرت زهرا علیها السلام که الگوی کامل زنان و مادران از لحاظ فضائل و مناقب وجودی است، با پذیرش نقش مادری به جایگاه مادر ارزش داده است. وجود باورهای منفی نسبت به مادر شدن سبب می شود که زن نسبت به بارداری و به دنیا آوردن فرزند احساس مثبتی نداشته باشد و همین امر آثار نامطلوبی در تربیت کودک خواهد داشت. زنان باید پیش از اقدام برای بارداری تعارضات ذهنی خود در رابطه با مادر شدن را حل کنند؛ زیرا برداشت مادر از نقش خود و شناخت هایی که نسبت به وظایف خود دارد، در کیفیت روابط مادر و کودک دخالت دارند (رحیمی، ۱۳۷۹). نقشی که زنان به عنوان همسر و مادر برعهده می گیرند، در میان همه نقش های اجتماعی و غیراجتماعی دیگر برجسته است؛ زیرا نقش مادری به معنای خاص آن نقش ارزشمند و حیاتی است که فقط یک زن می تواند به عهده گیرد.

۳. مؤلفه عاطفی

منظور از ویژگی های عاطفی مجموعه ویژگی هایی است که در راه اندازی، جهت دهی و استمرار رفتار تأثیر دارند و بیانگر احساسات و حالت های عاطفی هستند که هنگام انجام دادن کاری در فرد پدید می آیند و ناشی از عوامل درونی و بیرونی می باشند (بشیری، ۱۳۸۸) که در ایفای نقش مادری دخیل اند. زیرمؤلفه های عاطفی مادر شایسته عبارتند از: پذیرش قلبی فرزند و دلسوزی نسبت به فرزند.

۳-۱. پذیرش قلبی فرزند

فرزند امانتی از سوی خدا در دست والدین است. پذیرش این امانت وظیفه والدین به ویژه مادر می باشد که در قبال او مسئولیت بزرگی به عهده دارد (برجی نژاد، ۱۳۹۸). پذیرش قلبی فرزند یکی از مهم ترین ویژگی های مادر برای برقراری ارتباط مؤثر با وی است؛ بدین معنا که فرزند به عنوان یک شخص مستقل با توانایی ها و رغبت های خاص به صورت غیرمشروط و آن گونه که هست مورد پذیرش قرار گیرد و جنسیت یا سایر عوامل نقشی در آن نداشته باشند (هوشیاری،

۱۳۹۲). فرزند نیاز دارد که با تمام وجود احساس کند مورد پذیرش قلبی مادر است؛ بنابراین مادر باید کودک را آن‌گونه که هست بپذیرد. کودک باید پذیرفته شود و نباید طرد یا مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد. پذیرش مقید فرزند در وجود کودک فشار روانی و اضطراب ایجاد می‌کند و سلامت روانی وی را به خطر می‌اندازد (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵). زیبایی و زشتی، ویژگی‌های جسمی و جنسیت فرزند نباید به عنوان عاملی برای پذیرش یا طرد وی به شمار آید. مادری که کودک خود را نپذیرفته باشد، او را به عنوان مزاحم زندگی خود قلمداد کرده، نگرش منفی نسبت به فرزند پیدا می‌کند؛ بنابراین نمی‌تواند با روش محبت‌آمیز و سازنده‌ای با وی برخورد کند. پذیرش قلبی فرزند موجب رشد و تکامل وی می‌شود (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۸)، احساس تعلق را در روح و جان فرزند قوی می‌سازد، او را به خانواده و زندگی دلگرم می‌سازد و در تأمین بهداشت روانی و سلامت او تأثیر مهمی دارد (برجی‌نژاد، ۱۳۹۸). یکی از مصادیق بارز پذیرش، قبول جنسیت فرزند است. کودک باید فارغ از جنسیت مورد پذیرش مادر قرار گیرد. براساس آموزه‌های قرآنی خداوند به هر کس بخواهد، دختر یا پسر عینیت می‌کند (شوری / ۴۹) و والدین نمی‌دانند کدامیک برای آنها بهتر است (نساء / ۱۱). در عصر جاهلیت، فرزند دختر جایگاهی نداشت و مورد پذیرش نبود. در چنین شرایطی، قرآن کریم پذیرش فرزند را فارغ از جنسیت امری ضروری در نظر می‌گیرد و با تأکیدهای مکرر چنین باورهای نادرست را از بین می‌برد (نحل / ۵۸-۵۹). پیامبر اکرم ﷺ در مورد پذیرش فرزند فارغ از جنسیت او می‌فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ أَنْثَى فَلَمْ يُبْدِهَا وَ لَمْ يَمُهِمْهَا وَ لَمْ يُؤْتِرْ وُلْدَهُ عَلَيْهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ؛ کسی که دختری داشته باشد و او را از خود نراند، به او اهانت نکند و فرزند پسر را بر او مقدم ندارد، خداوند وی را وارد بهشت می‌کند» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵). امام سجاد علیه‌السلام هنگامی که صاحب فرزندی می‌شد، پیش از هر چیز، حتی سؤال از جنسیت کودک، از سلامت کودک می‌پرسید و سپس می‌فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِنِّي شَيْئاً مُسَوِّهاً؛ سپاس مخصوص خداوندی است که از من نسلی ناقص نیافرید» (کلینی، ۱۴۲۹).

بنابراین مادر شایسته فرزندش را بدون هیچ قید و شرطی و همان‌گونه که هست می‌پذیرد، به تفاوت‌های فردی توجه دارد، با او متناسب با روحیات و شخصیتش رفتار می‌کند، برای رشد و شکوفایی استعدادهای ویژه کودکش تلاش می‌کند و فرزندش را به سبب رفتارهای خارج از توان و هم‌شکل نشدن با دیگران ملامت نمی‌کند.

۳-۲. دلسوزی نسبت به فرزند

خداوند متعال قلب مادر را نسبت به فرزندش رقیق قرار داد تا نسبت به او دلسوز باشد. احساس عطف و رقت قلب در مادر بیشتر از دیگران است. اساساً در وجود مادر، رقت و دلسوزی نسبت به فرزند سرشته شده و آن قدر به او مهربان است که در راه آسایش و سعادتش فداکاری و از او در مقابل آسیب‌ها محافظت می‌کند. رقت قلب حالتی انفعالی در برابر عواملی است که احساسات و عواطف انسان را برمی‌انگیزاند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۳). در مقابل رقت، واژه قساوت قرار دارد. قساوت از ریشه «قَسَوَ» به معنای غلظت و شدت است. سنگ سخت یا «حجر قاس» از همین ریشه است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲) و «قسوة» به معنای رفتن نرمی و دلسوزی از دل‌ها است (طبرسی، ۱۳۷۲). قساوت قلب، گاهی در رابطه بین انسان و خدا است که در این صورت دل انسان نسبت به یاد خدا سخت می‌شود و گاهی این قساوت بین انسان و دیگر هم‌نوعان و افراد جامعه رخ می‌دهد که از دیدن ناراحتی و رنج و مصیبت دیگران متأثر نمی‌شود و دلش به رحم نمی‌آید (نراقی، بی‌تا). وقتی قلب از رقت و احساس رحم خالی شد، در این حالت مناظر رقت‌انگیز مثل آه مظلوم، ناله یتیم و پریشانی تهیدستان هیچ اثری در او نمی‌گذارد (دستغیب، ۱۳۹۳).

بر اساس آموزه‌های دینی رقت قلب یکی از ویژگی‌هایی می‌باشد که خداوند متعال در وجود مادر برای تربیت و حضانت از فرزند قرار داده است. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ أَنَّهُ لَمَّا سَلَبَ الطِّفْلَ قُوَّةَ التُّهُؤُصِ وَ التَّغْدِي جَعَلَ تِلْكَ الْقُوَّةَ فِي أُمِّهِ، وَ رَقَّقَهَا عَلَيْهِ لِتَقْوَمَ بِتَرْبِيَّتِهِ وَ حَضَانَتِهِ، فَإِنَّ قَسَا قَلْبِ أُمِّ مِنَ الْأُمَمَاتِ أَوْجَبَ تَرْبِيَّةَ هَذَا الطِّفْلِ وَ حَضَانَتَهُ عَلَى سَائِرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ از رحمت خداوند این است که وقتی طفل، قدرت برخاستن و تغذیه ندارد، آن قوت و قدرت را در مادرش قرار می‌دهد و مادر را بر فرزند، رقیق و مهربان می‌کند تا برای تربیت و نگهداری فرزند اقدام نماید. پس اگر قلب مادری قساوت گرفت، تربیت و نگهداری طفل بر سایر مؤمنین واجب است» (مجلسی، ۱۴۰۳). پس مادری که قساوت قلب دارد، نه می‌تواند خود را تربیت کند و نه مربی خوبی برای فرزند است.

۴. مؤلفه رفتاری

مؤلفه رفتاری ناظر به توانایی مادر برای انجام یک سری اعمال سنجیده، منطقی و پیوسته برای موفقیت در نقش مادری است (کاو، ۱۳۸۷). زیرمؤلفه‌های رفتاری مادر شایسته عبارتند

از: محبت کردن به فرزند، صبر و بردباری، حضور فعال در کنار فرزند، مدارا کردن با فرزند، پاسخ‌گو به فرزند، پاکدامنی، اعتدال رفتاری، راستگویی و عمل به وعده، هماهنگی با همسر در تربیت فرزند و عدالت در نقش مادری.

۱-۴. محبت کردن به فرزند

عشق و محبت مادر به فرزند از زیباترین جلوه‌های زندگی مادر و فرزند است که صحنه‌های زیبایی از فداکاری و ایثار را می‌آفرید. محبت یکی از اساسی‌ترین نیازهای کودک پس از نیازهای زیستی است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵) که در تأمین سلامت روحی و روانی کودک نقش بسزایی دارد (سادات، ۱۳۸۲). اگر این نیاز برآورده شود، کودک تا اندازه زیادی در برابر نیازهای زیستی مقاومت می‌کند و آنها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. طبیعت مادرانه چنان این محبت را در وجود آنان ثبت می‌کند که در بسیاری از موارد، قانون و شرع مجاللی برای توصیه به آن ندارد (نوری، ۱۳۹۳). تأثیر مهم مهرورزی به کودک به این صورت است که طفل در سایه آن احساس می‌کند، به دنیای مادر راه دارد و در نزد او پذیرفته شده است و بدین علت آرامشی بر جان او حاکم می‌شود و تمام جنبه‌های وجودی او را متأثر می‌سازد (برجی‌نژاد، ۱۳۹۸). مهرورزی و محبت مادر، نه تنها موجب تندرستی بلکه بهترین پل ارتباطی برای تربیت کودک اعم از تربیت اخلاقی، عاطفی، دینی و اجتماعی است. کمبود محبت، پیامدهای خطرناکی را برای کودک و جامعه دارد. اگر به کودکان محبت کافی نشود، در بزرگسالی ممکن است افرادی خشن، ناهموار و عقده‌ای شوند و به بیماری‌های جسمی همچون پریدگی رنگ، از دست دادن شادابی طبیعی، تنفس نامنظم و حتی ناراحتی‌های معده‌ای و روده‌ای (مصباح و همکاران، ۱۳۷۹) و بیماری‌های روانی مانند بدبینی، پرتوقعی، یأس، زودرنجی و نارضایتی مبتلایانند که منشأ بسیاری از شرارت‌ها و جنایت‌های کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان است (فائمی، ۱۳۸۹). به یقین دوست داشتن تنها، کافی نیست و آثار آن باید در رفتار و گفتار ظاهر شود.

براساس منابع اسلامی، محبت مؤثرترین عامل پرورش انسان‌های شایسته و بهترین ابزار برای پیشبرد اهداف خانوادگی از جمله تربیت فرزند است که ابراز آن تأثیر دوسویه دارد و موجب آموزش والدین نیز خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳). بزرگان معصوم علیهم‌السلام نسبت به محبت و ابراز آن به فرزند سفارش‌های فراوانی کرده‌اند؛ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تربیت بدون محبت و همراه با خشم و عصبانیت را بی‌نتیجه می‌داند (لیثی‌واسطی، ۱۳۸۷). ایشان نگاه محبت‌آمیز والدین به

فرزند را عبادت می داند (نوری، ۱۴۰۸) و والدین را توصیه به محبت به کودکان می کند و می فرماید: «أَجِبُوا الصَّبِيَانَ وَ اِزْمُوهُمْ؛ به کودکان محبت کنید و آنان را مورد رحمت قرار دهید» (کلینی، ۱۴۲۹)؛ همچنین محبت به فرزندان بهترین اعمال نزد پروردگار دانسته شده است (نوری، ۱۴۰۸). محبت به فرزندان، افزون بر اینکه در سخنان معصومان علیهم السلام بازتاب گسترده ای یافته، در سیره عملی آنها نیز جایگاه ویژه ای دارد. الگوی کامل و نمونه بارز شخصیتی که به این ویژگی آراسته بوده و محبت خود را نثار فرزندان خود می کرد، حضرت زهرا علیها السلام است. برخی از مادرها در محبت به فرزندان خود دچار خطای شناختی هستند و محبت را در تأمین نیازهای مادی و روزمره کودک از جمله خوراک، پوشاک و تهیه وسایل مورد نیاز فرزندان خلاصه می کنند؛ در صورتی که برآورده کردن نیازهای عاطفی کودک، مهم تر و حیاتی تر از نیازهای مادی است. برخی از والدین نیز محبتی قلبی به فرزندان خود دارند، اما در رفتار آن را بروز نمی دهند و فرزندان احساس می کنند مورد محبت و توجه والدین نیستند. در صورتی که محبت مادر باید در نوازش ها، آغوش گرفتن ها، تبسم ها و حتی در آهنگ محبت آمیز سخنانش ظاهر شود. یکی از مظاهر محبت، بوسیدن فرزندان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه درجه ای در بهشت به شما خواهند داد» (مجلسی، ۱۴۰۳).

۴-۲. صبر و بردباری

صبر یکی از از مهم ترین ارزش های اخلاقی است که آراسته بودن به این ویژگی در امور تربیتی که اولیای الهی برای آن مبعوث شده اند (بقره/۱۲۹؛ جمعه/۲)، بسیار اهمیت دارد. با توجه به آنکه مادر نخستین مربی فرزند و محور اساسی در تربیت می باشد، بهتر است که برای موفقیت در نقش خود به این ویژگی آراسته باشد. صبوری نیز یکی از مهم ترین شاخصه های مادر برای موفقیت در نقش مادری است؛ زیرا افزون بر آنکه تحکیم خانواده محتاج صبر است، تربیت فرزند شایسته نیز مرهون صبر و استقامت می باشد. در واقع صبر از جمله عواملی است که رفتار را تحت تأثیر قرار می دهد (شمشیری و شیروانی شیری، ۱۳۹۰). در همه موقعیت ها این مادر است که باید خود را با وضعیت جنین، بارداری، زایمان و مسائل پس از آن و نوزاد پیش بینی ناپذیرش هماهنگ کند (علاسوند، ۱۳۹۹). مادر رسالت تربیت فرزند را برعهده دارد و لازم است در برابر ناملایمات، مشکلات، کمبودها و آزارها و اذیت های کودک صبور باشد، وگرنه در ایفای نقش مادری و هدف والای تربیت موفق نخواهد شد. مادرانی که صبور نباشند، فرزندان بدون صبر

و استقامت پرورش می‌دهند که در مسائل فردی و اجتماعی دچار مشکل می‌شوند، در برابر ناملایمات و ناکامی‌ها اعتراض و پرخاش می‌کنند و به هیچ‌عنوان تحمل ناکامی، بن‌بست و ناملایمات را نخواهند داشت. صبر نه تنها زیربنای آرامش و فضیلتی اخلاقی برای خود مادر است، بلکه زیربنای ایفای نقش مادری و پایه سلامت روانی کودک نیز می‌باشد. اگر مادر صبور و شکیبا باشد، می‌توانیم توقع داشته باشیم که فرزندان او هم صبر را در وجود خودشان نهادینه کنند. صبر مادران پیامدهای روانی مثبتی در فرزندان به بار می‌آورد (خرمایی و همکاران، ۱۳۹۵). اگر مادران بتوانند این ویژگی را در خود بپرورانند و به کار برند، فرزندان آنان نیز همین مسیر را ادامه می‌دهند و این ویژگی نسل به نسل انتقال خواهد یافت (سرتیبی و همکاران، ۱۳۹۵).

در آموزه‌های دینی، صبر به عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای مقابله‌ای دینی در برابر سختی‌ها و شرط پیروزی معرفی شده است (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰) که در صورت فقدان، کارها تباه خواهند شد (کلینی، ۱۴۲۹). خداوند متعال برای صابران اجر بی‌شمار در نظر گرفته است (زمر/۱۰)؛ از این رو به مادران در برابر تحمل رنج و مشقت‌های مادری اجر فراوانی می‌دهد؛ از جمله اینکه در ایام حاملگی و شیردهی اجر روزه‌دارِ شب‌زنده‌دار خواهد داشت و هر قطره شیر او برابر یک حسنه و بخشودگی گناهان در نظر گرفته می‌شود (ابن‌حیون، ۱۳۸۵). کنجکاوی کودک که گاهی به صورت شیطنت، اذیت و جنب‌وجوش فراوان بروز می‌کند، یکی از نیازهای عمیق کودکان است و در صورت هدایت و مدیریت درست موجب گسترش قابلیت‌های شخصی و کشف جهان خواهد شد (کرین، ۱۳۹۰). صبر و تحمل اذیت‌ها و کنجکاوی‌های کودک افزون بر اینکه مایه آرامش خانه و خانواده خواهد شد؛ از راه‌الگوگیری، صبر و تحمل را آموزش می‌دهد و کودک را برای تحمل سختی‌ها، شکست و ناکامی‌ها و نیز ایفای نقش والدینی در آینده آماده می‌سازد (محمدزاده، ۱۳۸۴). براساس آموزه‌های اسلامی مادر باید نسبت به بازی‌گوشی‌ها، کنجکاوی‌ها، آسیب‌ها، بیماری‌ها و غم از دست دادن فرزند صبور باشد. تعدادی از مادران خدمت رسول اکرم ﷺ مراجعه و از بازی‌گوشی و آزار و اذیت‌های فرزندانشان شکایت کردند. حضرت آنان را توصیه به صبر کرد و فرمود: «عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ زِيَادَةُ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ؛ بازی‌گوشی و سرکشی طفل در دوران کودکی مایه فزونی عقل او در بزرگی است» (پابنده، بی‌تا؛ متقی، ۱۴۱۹). گناهان مادر به خاطر صبوری وی در مقابل بیماری فرزندش بخشیده می‌شود. امام علی ع بیماری فرزند را کفاره گناهان والدین می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷). شایسته است که مادر در برابر مشکلات و

مصیبت‌هایی که از جانب فرزند به او می‌رسد، صبوری کند. یکی از سخت‌ترین و جانکاه‌ترین آنها، مصیبت از دست دادن فرزند است و طبیعتاً چنین صبری بالاترین پاداش را به دنبال خواهد داشت. پیامبر اکرم ﷺ صبوری مادر در برابر غم از دست دادن فرزند را موجب آموزش الهی و دوری از آتش جهنم می‌داند و می‌فرماید: «اللَّهُ أَعَزُّ وَأَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَسْلُبَ عَبْدًا مَرَّةً فُؤَادِهِ فَيَصْبِرَ وَيَحْتَسِبَ وَيَحْمَدَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ يُعَدِّبَهُ؛ خداوند متعال بزرگوارتر از آن است که جگرگوشه شخصی را از او بگیرد و وی در مقابل این امر صبر نماید و از خدا اجر و ثواب طلب کند و حمد الهی را به جای آورد، سپس چنین شخصی را به عذاب آتش گرفتار کند» (همان).

۳-۴. حضور فعال در کنار فرزند

زندگی سال‌های اولیه کودک در کنار مادر و تحت تأثیر اوست. کودکان به حضور مادر نیاز اساسی دارند. یکی از ویژگی‌های مادر شایسته حضور فعال او نزد کودک به معنای حضور جسمی و روانی با کمیت و کیفیت مناسب است. لازمه چنین حضوری در دسترس بودن مادر همراه با صمیمیت و گرمای مادری می‌باشد. حضور هر چه بیشتر مادر در کنار کودک در سال‌های آغازین، نقش مهمی در سلامت جسمی و رشد به‌هنگار شخصیت و عواطف کودک دارد. حضور یا عدم حضور بی‌کیفیت مادر موجب بی‌تفاوتی عاطفی و ناهنجاری‌های روانی رفتاری در کودک می‌شود. در پژوهشی بر روی نوزادان مشخص شد رشد نوزادانی که مادرانشان از آنها مراقبت می‌کنند و در کنار آنان حضور دارند، بیش از سایر نوزادان است (ایلین میویس، ۱۳۹۲). بسیاری از اختلالات در اثر محرومیت از مادر در دوران کودکی پدید می‌آیند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند کودکانی که از نعمت مادر محروم بوده‌اند، در مقایسه با کودکانی که مادر در کنار آنها حضور داشته، دلبستگی دلهره‌آمیزتری داشتند؛ همچنین کودکانی که در دوره بستری بودن در بیمارستان، مادرشان آنان را همراهی نمی‌کرده، پس از بازگشت به خانه، مضطرب‌تر از پیش بوده‌اند (موسوی، ۱۳۸۳). حضور فعال مادر سبب به وجود آمدن دلبستگی ایمن^۱ در کودک می‌شود (کرین، ۱۳۹۰). دلبستگی ایمن پایه سلامت روان و شایستگی فرد به شمار می‌آید که رفتار مادر مهم‌ترین عامل در پدید آمدن آن است (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵). اختلال دلبستگی نتیجه جدایی از مادر و یا کمبود مراقبت یا تعامل با مادر می‌باشد که عوارض آن شامل نارسایی رشد، اختلال اضطراب جدایی، اختلال شخصیتی اجتناب‌گر، بزهکاری،

1. Secure attachment

مشکلات درسی یا بهره‌هوشی مرزی است (فرح‌بخش و همکاران، ۱۳۸۶). مادران بی‌توجه، غایب و طردکننده، کودکانی پرورش می‌دهند که تا حد زیادی از مشکلات هیجانی و عاطفی رنج می‌برند و در بزرگسالی نیز بیش از حد و به صورت مرضی متکی به خود خواهند بود (باچرو همکاران، ۱۳۸۸). دوری از والدین مخصوصاً مادر در آغاز کودکی به صورت ترس از تنهایی، تاریکی و انواع دیگر ترس بروز خواهد کرد (محمدزاده، ۱۳۸۴). گذراندن وقت کودک با مادر در حین رشد اهمیت بسیاری دارد و به همین دلیل ماندن مادر در خانه مؤثر و مفید خواهد بود. حضور همیشگی مادر در خانه یک وابستگی عمیق میان مادر و کودک را موجب می‌شود. این وابستگی برقراری ارتباط متقابل میان والدین و فرزند، به‌ویژه در دوران نوجوانی را آسان‌تر می‌کند (میرخندان، ۱۳۹۲). نگهداری از فرزند وظیفه والدین است و مادر تا سن ۷ سالگی کودک برای حضانت اولویت دارد (منصور، ۱۳۹۱). حضانت که از وظایف پدر و مادر است، به معنای در کنار بودن، در آغوش گرفتن، پشتیبانی کردن و به‌طور کلی حضور فیزیکی و روانی باکیفیت است (هوشیاری، ۱۳۹۲). مادر را حاضنه گویند چون وظیفه نگهداری، در آغوش گرفتن و تربیت فرزندان را دارد (ابن‌منظور، ۱۴۰۵). تعالیم و فرامین اسلامی به حضور مادر در کنار کودک و عدم جدایی آن دو توجه ویژه‌ای دارد. اسلام حضور زن در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی را مجاز، اما مشروط به ایفای مطلوب نقش مادری و همسری می‌داند (امینی، ۱۳۸۴). در آموزه‌های دینی به حضور مادر در کنار فرزند تأکید می‌کند و جداکننده مادر و کودک را مشمول غضب خداوند می‌باشد (نوری، ۱۴۰۸). اهمیت این امر تا جایی است که مادر، حتی در حال نماز هم می‌تواند کودکش را در آغوش بگیرد و یا به او شیر دهد (احرام‌علی، ۱۴۰۹). مراقبت‌های غیرمادرانه باکیفیت، قابل مقایسه با مراقبت‌های گرم و پاسخ‌دهنده مادرانه نیست و این‌گونه مراقبت‌ها حتی در صورت بالا بودن کیفیت، اثرهای منفی عاطفی و هیجانی دارند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵). شهید مطهری به نقش مادر و جانشین‌ناپذیری وی تأکید می‌کند و می‌نویسد: «بعضی خیال کردند دایه جایگزین مادر می‌شود در صورتی که وظیفه مادری قابل نیابت و واگذاری نیست؛ غیر از مادر کسی دیگر نمی‌تواند آن را انجام دهد؛ پرورشگاه، شیرخوارگاه، دایه و مربی خصوصی نمی‌تواند جانشین مادر شود» (مطهری، ۱۳۹۱). امام خمینی می‌فرماید: «وقتی بچه در پرورشگاه و بدون مادر با اجنبی بخواهد سروکار داشته باشد و محبت مادر از سر او کم شود، این بچه عقده پیدا می‌کند. بسیاری از این مفسده‌هایی که در جامعه واقع می‌شود، از این بچه‌هایی

هستند که عقده دارند؛ از این انسان‌هایی هستند که عقده دارند. مبدأ یک عقده بزرگ، این جدا کردن بچه از مادر است، بچه محبت مادری لازم دارد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹)؛ بنابراین یکی از ویژگی‌های مادر شایسته حضور فعال در نزد کودک به معنای حضور جسمی و روانی با کمیت و کیفیت مناسب است.

۴-۴. مدارا کردن با فرزند

تعلیم و تربیت در صورتی ثمربخش خواهد بود که همراه با نرمی و لطافت و به دور از خشونت باشد. در منابع اسلامی برخورد نرم و به دور از خشونت والدین به «الرِّفْقُ» تعبیر شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴). رفق در اصل به معنای «نرمی و لطافت» در برابر «شدت و خشونت» است و در موارد استعمال آن، مفهوم نرمی و راحتی وجود دارد (فراهیدی، بی تا). داشتن خانواده و جامعه‌ای متعالی و منسجم در گرو نرمی و ملاحظت با همدیگر است (وطن دوست و ایروانی، ۱۳۸۷). آراسته بودن مادر به این خصلت پسندیده در کنش‌های ارتباطی وی با فرزندان امری مهم است. از دیدگاه اسلام رفق و مدارا یکی از حقوق فرزندان بر پدر و مادر دانسته شده است که مراعات نکردن آن، ظلم در حق کودک به شمار می‌رود. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ الصَّغِيرِ... الرِّفْقُ بِهِ؛ یکی از حقوق کودک نرمی و لطافت با اوست» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴). رفق و مدارا بیش از هر چیز دیگری به کارآمدی و تربیت فرزند کمک می‌کند. آراسته بودن مادر به این ویژگی، بهتر از هر شیوه دیگری می‌تواند در تربیت درست فرزند مؤثر باشد (شاملو، ۱۳۸۱). والدین باید شیوه‌های ملایم و به دور از تندی و خشونت را در پیش گیرند. مادر باید در شیوه رفتاری خود، رفق و مدارا را سرلوحه خود قرار دهد و تکالیف سنگین و خارج از توان را بر عهده فرزندان قرار ندهد. از علل دروغ‌گویی، دلزدگی، خستگی و عصیان‌گری فرزندان، سخت‌گیری و تحمیل تکالیف سنگین بر آنهاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «عَلِّمُوا وَ يَسِّرُوا وَ لَا تَعَسِرُوا؛ تعلیم دهید و سهل گیر باشید و سخت نگیرید» (باینده، بی تا). ایشان در روایت دیگر می‌فرماید: رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَ لَدَّهُ عَلَى بَرِّهِ... يَقْبَلُ مِيسُورَهُ وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَ لَا يُزْهِقُهُ وَ لَا يَحْرِقُ بِهِ؛ خدا رحمت کند کسی را که در نیکوکاری به فرزند خود کمک کند... آنچه را که کودک متناسب با توان خود انجام داده، از او قبول کند، آنچه برای کودک سنگین و طاقت فرساست، از او نخواهد و او را به گناه و طغیان وادار نکند» (کلینی، ۱۴۰۷). خشونت و سخت‌گیری بی جا در مقابل رفق و مدارا قرار دارد که برخلاف عقل و شرع است و موجب سوء تربیت فرزندان

می‌شود و شاید بتواند برای مدتی کودکان را به انجام وظایف وادار کند؛ اما هیچ‌گاه نمی‌تواند از آنها افرادی با شخصیت و سالم بسازد (احدی و بنی‌جمال، ۱۳۸۹). از پیامدهای خشونت و تندی با کودک تقویت روحیه پرخاشگری، دروغ‌گویی و فریب‌کاری است. سرزنش‌های مکرر کودک سبب نابودی اعتماد به نفس وی می‌شود. براساس تحقیقات سرزنش بیش از تنبیه بدنی ضرر دارد؛ زیرا درنهایت موجب نهادینه شدن بی‌ارزشی در کودک می‌شود (مارستون، ۱۳۹۸). پس مادر حتی هنگام پرخاشگری کودک باید آرام باشد و با لطافت با او برخورد کند؛ چرا که پرخاشگری او باعث تقویت پرخاشگری بیشتر کودک خواهد شد (عظیمی، ۱۳۹۱).

۴-۵. پاسخ‌گو بودن

انسان سالم کسی است که نیازهای اساسی او در حد مطلوبی پاسخ داده شود (قاسمی، ۱۳۸۲). کودک دارای نیازهای اساسی و اولیه‌ای می‌باشد که باید از سوی والدین و به خصوص مادر پاسخ داده شود. پاسخ‌گویی بدین معناست که مادر به موقع و با کیفیت به نیازهای کودک پاسخ دهد و برآوردن آنها را به تأخیر نیندازد. یکی از ویژگی‌های مادر شایسته، تأمین نیازهای کودک متناسب با مراحل رشد است. گزل^۱ سفارش می‌کند والدین باید نیازهای کودک را به موقع برآورده سازند (کرین، ۱۳۹۰). یک مادر شایسته باید به نیازهای کودک در تمام زمینه‌ها توجه داشته باشد و آنها را برآورده کند. نیازهای زیستی، شناختی، عاطفی و روانی از جمله مهم‌ترین نیازهای کودک می‌باشند که پاسخ‌دادن به آنها موجب آرامش، تعادل روانی و دستیابی به بالندگی در کودک می‌شود (شاملی، ۱۳۸۳). یکی از مهم‌ترین نیازهای اولیه و زیستی کودک نیاز به تغذیه می‌باشد. بی‌گمان نخستین مسئولیت مادر، تأمین امنیت غذایی فرزندش است. خداوند متعال قدرت تأمین این نیاز را به مادران داده است (مجلسی، ۱۴۰۳). از زمانی که کودک در رحم قرار دارد، مادر وظیفه دارد به سلامت جسمی، روحی و روانی او رسیدگی کند. در بعضی از روایات به خوردن برخی غذاها و میوه‌ها توسط مادر جهت سازندگی و سلامت جسمی، شناختی، اخلاقی و روانی جنین اشاره شده است (نوری، ۱۴۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳). خداوند متعال از مادران می‌خواهد امنیت غذایی فرزندانش را تأمین کنند؛ از این رو شیردهی به نوزاد را از وظایف و مسئولیت‌های آنها می‌داند (بقره، ۲۳۳) و برای چنین عملی ثواب‌های فراوانی در نظر گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۳). اگر مادری فرزند خود را شیر ندهد، به نیاز اولیه او پاسخ

1. Arnold geselle

نداده و به فرزند خود آسیب رسانده است؛ درحالی که براساس منابع اسلامی ضرر رساندن به فرزند جایز نیست (بقره / ۲۳۳). افزون بر نیازهای زیستی، کودک نیازهای روانی - عاطفی فراوانی دارد. پاسخ به این نیازها ارتباط تنگاتنگی با سعادت و کمال کودک دارد. پاسخ‌گو نبودن مادر به بروز آسیب‌های روانی و بسیاری از ناهنجاری‌ها و ناسازگاری‌ها می‌انجامد (هوشیاری، ۱۳۹۲). بیشتر آسیب‌های روانی همچون ناامیدی، افسردگی، پرخاشگری، بدبینی، بزهکاری، قتل و خودکشی از پاسخ‌گو نبودن مادر به نیازهای اساسی کودک ناشی می‌شود (فانمی، ۱۳۹۳). نیاز به محبت از جمله نیازهای روانی و عاطفی کودک می‌باشد که پاسخ دادن و برآورده کردن آن مورد تأکید آموزه‌های دینی است. در پاره‌ای از روایات نگاه محبت‌آمیز والدین به فرزندان، عبادت شمرده می‌شود (نوری، ۱۴۰۸). در تعالیم دینی به والدین توصیه شده است که نیازهای عاطفی و روانی فرزندان را پاسخ دهند و نسبت به آنان مهر و محبت داشته باشند (کلینی، ۱۴۲۹). یکی از مصادیق ابراز محبت، بوسیدن فرزند است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه درجه‌ای در بهشت به شما خواهند داد» (مجلسی، ۱۴۰۳). یکی دیگر از نیازهای کودک که با سرشت کودک آمیخته شده و باید از جانب والدین (به ویژه مادر) پاسخ داده شود، بازی کردن است. همان‌طور که کودک نیاز به آب و هوا دارد، نیاز به بازی و سرگرمی نیز دارد (محمدیان، ۱۳۹۰). بازی موجب شکوفایی استعداد و کسب مهارت‌های رفتاری در کودک می‌شود. در آموزه‌های دینی پاسخ به این نیاز طبیعی در فرزندان مورد توجه قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دَعِ اِنَّكَ يَلْعَبُ سَنَعِ سِنِينِ؛ بگذار فرزندت تا هفت سالگی به بازی بپردازد» (کلینی، ۱۴۲۹)؛ همچنین به والدین توصیه شده که با کودکان هم‌بازی شوند و نیاز آنان را تأمین کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ؛ آن‌کس که کودکی دارد باید با او کودکی کند» (حرعاملی، ۱۴۰۹).

۴-۶. پاکدامنی

کودک مهم‌ترین سال‌های شکل‌گیری و تکوین شخصیت خود را در کنار مادر می‌گذراند که به اکتساب عادات و صفات اخلاقی مادر می‌انجامد. ویژگی‌های اخلاقی مادر بر کودک اثر می‌گذارد (دشتی، ۱۳۹۱). بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی، حالات روحی (حجتی، ۱۳۸۵)، فضائل و رذائل اخلاقی مادر از راه وراثت به کودک منتقل می‌شوند (میخبر، ۱۳۸۲). والدین به خصوص مادر نه تنها منتقل‌کننده صفات ژنتیکی به فرزندان هستند، بلکه ملکات اخلاقی و صفات اکتسابی

را نیز به صورت اپی‌ژنتیکی^۱ به فرزندان منتقل می‌کنند (علم‌الهدی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ همچنان‌که غذای دوران حمل در ساختمان جسمی کودک مؤثر است، جنبه‌های اخلاقی مادر نیز در کودک و به‌ویژه جنین مؤثر است (قائمی، ۱۳۸۷). امام خمینی مادران را به داشتن اخلاق سالم توصیه می‌کند و بر این باور است که آن قدری که اخلاق مادر در کودک تأثیر دارد و به او منتقل می‌شود، از دیگران عملی نیست (موسوی خمینی، ۱۳۸۹). تا مادر خود را از عوامل فساد و اخلاق نادرست دور نکند، نمی‌تواند فرزندان سالم تربیت کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که خیانت، تبهکاری، دشمنی، تجاوزکاری و برعکس مراقبت در فکر و عمل، در سخن گفتن و در ایفای حقوق و به‌طور کلی پرهیز از گناه و خداترسی در همه امور کودک مؤثر است (قائمی، ۱۳۸۷). براساس قانون و فقه اسلامی یکی از موانع حضانت کودک، انحطاط اخلاقی والدین است (قانون مدنی). عفت و پاکدامنی یکی از ویژگی‌های مادر شایسته می‌باشد. در آیاتی از قرآن کریم به تأثیر اخلاق مادر بر فرزند از جهت پاکدامنی و فساد سخن به میان آمده است (مریم، ۲۸). عفت حالتی نفسانی است که انسان را از غلبه شهوت بازمی‌دارد و عقیف، یعنی خودنگهدار و با مناعت (فقیهی، ۱۳۹۸). پیامبر ﷺ بهترین زنان را زنان عقیف معرفی می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷). آنچه که موجب تربیت درست فرزندان می‌شود، در مرتبه اول مربوط به عفت مادر می‌باشد (کریمی، ۱۳۹۱). امام صادق علیه السلام عفت و پاکدامنی را برای مادران ضروری می‌داند و فرزندان را به خاطر داشتن چنین مادرانی مورد تمجید قرار می‌دهد و می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَقِيفَةً؛ خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن است» (مجلسی، ۱۴۰۳). پایبندی مادر به اخلاق شرعی به اندازه‌ای اهمیت دارد که حتی دایه فرزند که مدت کوتاهی مواظبت از او را به عهده دارد، باید فردی سالم از لحاظ اخلاقی باشد (شیر، ۱۴۲۸). عفت مظاهری دارد که باید در همه ابعاد رفتاری، گفتاری، ظاهری و باطنی مادر نمود داشته باشد. مادری که از این ویژگی بهره‌مند نباشد، نمی‌تواند فرزندان عقیفی تربیت کند؛ بنابراین اگر مادر بخواهد در نقش مادری موفق باشد، باید به اخلاق شرعی پایبند باشد و با اعمال و رفتار خود آن را در فرزند خود نهادینه سازد.

۴-۷. اعتدال رفتاری

براساس آیات قرآن، عالم بر پایه اعتدال بنا شده است (الرحمن / ۷ و ۸). واژه «اعتدال» بین دو مفهوم «افراط» و «تفریط» قرار دارد (مصطفوی، ۱۳۸۵). امام علی علیه السلام افراط و تفریط را از نشانه‌های

1. epigenetics

انسان جاهل می داند و می فرماید: «نادان یا افراط و زیاده روی می کند یا تفریط و کوتاهی» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴). رعایت اعتدال در تمام امور زندگی مورد تأکید اسلام است؛ از جمله: اعتدال در انفاق (فرقان / ۶۷)، خوف و رجا (یوسف / ۸۷)، غم و اندوه، لباس پوشیدن (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴)، سخن گفتن (لقمان / ۱۹) و تربیت فرزند (یعقوبی، بی تا). اعتدال رفتاری پایه تمام فضائل اخلاقی (مطهری، ۱۳۸۵) و به معنای پرهیز از زیاده روی و کم کاری است (مصطفوی، ۱۳۸۵). خداوند متعال انسان را به گونه ای آفریده که افراط و تفریط او را از مسیر رشد و کمال منحرف خواهد کرد؛ از این رو شرط کارآمدی یک نظام تربیتی، اعتدال در بیم و امید، تشویق و تنبیه، مهر و قهر، مراقبت و طرد و اقتدار است (وطن دوست و ایروانی، ۱۳۸۷).

اعتدال رفتاری از ویژگی های مادر شایسته به شمار می رود. یکی از مصادیق بارز اعتدال رفتاری مادر، کیفیت و کمیت مهرورزی او نسبت به فرزند است. مادر باید میانه رو باشد و جانب اعتدال را رعایت کند. کودکی که بیش از حد مورد علاقه قرار گرفته، در زمینه اخلاقی کمتر رشد می کند؛ زیرا تفاوت اعمال و گفتار مناسب و نامناسب را تشخیص نمی دهند (رحیمی، ۱۳۷۹). مادری که گاه به شدت فرزندش را دوست دارد و گاه طردکننده است و به گونه ای متناقض با فرزند خود برخورد می کند، کودک خود را دچار ناایمنی دوسوگرا می کند (کرین، ۱۳۹۰). در آموزه های دینی از افراط در محبت نسبت به فرزند نهی شده و پدر و مادر با داشتن چنین شیوه ای از مقام شایستگی تنزل خواهند یافت. امام باقر علیه السلام می فرماید: «سَرُّ الْأَبَاءِ مَن دَعَا الْبِرَّ إِلَى الْإِفْرَاطِ؛ بدترین والدین کسانی هستند که دوست داری و مهرورزی به بچه هایشان، آنها را به افراط بکشاند» (یعقوبی، بی تا). یکی از دلایل احساس حقارت کودکان افراط و تفریط والدین در ابراز محبت و ارضای تمام خواسته های کودک است (فلسفی، ۱۳۹۵). عدم تعادل رفتاری مادر موجب اختلال عاطفی رفتاری در کودک می شود. زیاده روی در ابراز محبت سبب لوسی، وابستگی افراطی، سلطه جویی، نازپروردگی، کم ارادگی، زودرنجی و خودپسندی فرزندان می شود. تفریط یا محروم سازی فرزندان از محبت موجب پیامدهای ناگواری همچون بی شخصیتی، ناکامی، عقده، بی هویتی، خودکم بینی، کینه توزی، حسادت و بزه کاری در فرزندان می شود (شاملی، ۱۳۸۳). افراط و تفریط والدین در ابراز ناراحتی و خشم نیز امری ناپسند است. شخصی نزد امام کاظم علیه السلام از رفتار فرزند خود شکایت کرد. حضرت فرمود: «لَا تُصْرِئُهُ

وَ أَهْجُرُهُ وَلَا تُطِيلُ؛ فرزندت را نزن بلکه با او قهر کن، ولی قهرت طولانی نشود» (ابن‌فهدحلی، ۱۴۰۷). بنابراین امام در مقابل تکرار خطاهای کودک به نرمی و تساهل دعوت نمی‌کند، چنان‌که به استمرار عقوبت عاطفی یعنی قهر نیز فرامی‌خواند، بلکه به اعتدال و توازن میان نرمی و خشونت دعوت می‌کند. وضعیت کودکی نیز که مدام در معرض تویخ‌های بیش از حد والدین قرار می‌گیرد و بر کوچک‌ترین عمل‌کردش مورد بازخواست افراطی واقع می‌شود، بر همین منوال است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «**الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَسْبُبُ نِيرَانَ اللَّجَاجَةِ؛** زیاده‌روی در سرزنش و تویخ، آتش لجاجت را تیزتر خواهد کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳). بعضی از والدین به علت افراط در علاقه و محبتی که به فرزندان خود دارند، بدی‌های آنان را نمی‌بینند و اگر عیبی در آنان دیدند، درصدد اصلاح بر نمی‌آیند تا مبادا فرزندان نشان ناراحت شوند. این والدین با محبت‌های بی‌جای خود، بزرگ‌ترین ضربه را نسبت به فرزندان خود وارد می‌کنند که در قیامت بدون مؤاخذة نخواهند بود. مهر و محبت به فرزند باید در مسیر درست و رضایت خداوند باشد و نباید به غفلت از یاد خداوند بینجامد (منافقون / ۹).

۴-۸. راستگویی و عمل به وعده

براساس تعالیم اسلامی راستگویی در خانواده بسیار مهم است و از جمله مؤلفه‌هایی است که می‌تواند بر نوع روابط، سلامت روان، انگیزه‌ها و دغدغه‌های تک‌تک اعضای خانواده تأثیر داشته باشد. اولیای دین فرزندان خود را از هر نوع دروغی، بزرگ یا کوچک و جدی یا شوخی بازمی‌داشتند (کلینی، ۱۴۰۷). در میان اعضای خانواده نقش مادر در این زمینه بسیار اهمیت دارد. مادر از آن جهت که مربی و الگوی تربیتی کودک است و در این راه به ارزش، اعتبار و محبوبیت، نفوذ کلام و تأثیر عمل نیاز دارد، باید در رفتار و گفتار خود راستگو باشد (کدیور، ۱۳۹۸). اگر عدم صداقت مادر حاکم شود، اعتماد فرزندان به وی از بین می‌رود و در این صورت بازدهی تربیتی مطلوبی نخواهد داشت. نخستین تأثیر راستگویی، جلب اطمینان و اعتماد است. مادر اگر با فرزندان خود صادق نباشد، نفوذ و ارزش خود را از دست می‌دهد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۳). خداوند متعال مادر حضرت عیسی علیه السلام را که یکی از شایسته‌ترین زنان و مادران تاریخ به شمار می‌رود، در جایگاه مادری با صفت «صِدِّيقَه» معرفی می‌کند (مانده / ۷۵). این امر نشان‌دهنده اهمیت آراسته شدن مادران به صفت راستگویی است. یکی از مصادیق راستگویی، پایبندی و عمل به وعده می‌باشد؛ زیرا رعایت نشدن آن از سوی والدین آثار

نامطلوبی بر فرزندان می‌گذارد و موجب پیدایش ناهنجاری‌های روانی- رفتاری فراوان می‌شود. اگر مادر وعده‌ای به فرزند خود بدهد و بنای بر عمل به آن را نداشته باشد، به دروغ‌گویی دچار شده است. عمل به وعده درباره کودک به جهت شرایط سنی و تربیتی خاصی که دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرُفُّوهُمْ؛ اگر وعده‌ای به فرزندان‌تان دادید، به وعده خود عمل کنید؛ زیرا آنان جز شما کسی را روزی ده خود نمی‌دانند» (کلینی، ۱۴۰۷). امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «إِذَا وَعَدْتُمْ أَحَدَكُمْ صَبِيَهً فَلْيُنْجِزْ؛ وقتی یکی از شما به کودکش وعده داد به آن وفا کند» (نوری، ۱۴۰۸). یکی از شاخص‌ترین صفات حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام که الگوی زنان و مادران عالم است، صداقت و راستگویی می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷). ایشان به عنوان شایسته‌ترین مادر دنیا و سزاوارترین فرد در این رابطه نسبت به فرزندان در زمانی که به فرزندانش برای روز جشن وعده لباس نو می‌دهد و در زمان وعده داده شده، توان تهیه آن را ندارد؛ دست به دعا برمی‌دارد و از خداوند متعال طلب کمک می‌کند و در نهایت دعایشان مستجاب و وعده ایشان محقق می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳). این امر نشان دهنده اهمیت آراسته شدن مادران به صفت راستگویی و عمل به وعده‌هایی است که به فرزند خود می‌دهند.

۹-۴. هماهنگی با همسر در تربیت فرزند

نقش مادر در تربیت فرزند دارای اهمیت زیادی است، ولی این امر موجب نادیده گرفته شدن نقش پدر، وظایف و ویژگی‌های وی در تربیت کودک نمی‌شود. بخشی از شخصیت کودک را مادر و بخش دیگر را پدر تکمیل می‌کند و هر کدام کارکردهای خود را دارند؛ پدر کارکرد قدرت و مادر کارکرد عاطفی. پس پدر و مادر مانند دو بال هستند که همدیگر را کامل و فرزند را به تعالی می‌رسانند و ناهماهنگی آنها در امر تربیت، نتیجه معکوس می‌دهد. ناهماهنگی والدین بدترین موضوع برای تربیت فرزندان است؛ زیرا هماهنگی نادرست بهتر از ناهماهنگی است. اختلاف و ناهماهنگی والدین در امر تربیت سبب از بین رفتن اندیشه درست تربیتی می‌شود و ثمرات تربیت را از بین می‌برد. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «الْخِلَافُ يَهْدِمُ الرَّأْيَ؛ اختلاف، بنیاد اندیشه درست را درهم می‌ریزد» (همان). در منابع اسلامی در جهت تربیت کودک، معمولاً پدر و مادر در کنار هم و به صورت مشترک مورد خطاب قرار گرفته و مسئولیت تربیت فرزندان بر عهده هر دوی آنهاست (دیلیمی، ۱۴۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳؛ کلینی، ۱۴۰۷) که این امر مستلزم همکاری

و هماهنگی آنها در امر تربیت می‌باشد. قرآن کریم به هماهنگی مادر و پدر در امور مربوط به فرزند می‌پردازد: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا؛ اگر مادر و پدر با رضایت و مشورت یکدیگر بخواهند فرزند را از شیر بگیرند، گناهی بر آنها نیست» (بقره/۲۳۳).

هماهنگی مادر با پدر، زمینه‌ساز هماهنگی در تربیت فرزند و یکی از مؤلفه‌های شایستگی در نقش مادری است. هرگاه مادر یک مبنا دارد و براساس آن توصیه‌ای می‌کند و پدر مبنای دیگری دارد و کودک مجبور است یکی از آنها را بپذیرد، ولی چون والدین محبوب کودک هستند؛ توان ترجیح یکی از آنها را نخواهد داشت که موجب التهاب درونی، تعارض و اختلال در شخصیت کودک می‌شود.

پس یکی از ویژگی‌های ضروری مادر که موجب شایستگی وی در نقش مادری می‌شود، هماهنگی وی با همسرش در تربیت فرزندان اعم از تربیت کلامی و غیرکلامی است؛ زیرا شیوه رفتار، موضع‌گیری‌ها و هماهنگی‌های تربیتی مادر با پدر در سلامت شخصیت کودک بسیار تأثیرگذار است. اگر پدر رفتاری را در کودک ناشایست بداند و مادر نیز با وی هماهنگ باشد، تأثیر بیشتری در تربیت کودک خواهد داشت، ولی اگر دستورات والدین به کودک هماهنگ نباشد و کودک گفتارهای ضد و نقیض از آنها بشنود، دچار سردرگمی شده و نمی‌تواند راه درست را انتخاب کند. این‌گونه کودکان می‌کوشند تا در برابر ارتکاب خطا، راه فراری توسط یکی از والدین برای خود پیدا کنند. هرگونه دستور ناهماهنگ در محیط خانه نسبت به ارزش‌ها، موجب تزلزل در باورها و شخصیت کودک خواهد شد؛ زمانی که کودک مشاهده می‌کند انجام برخی رفتارها از جانب وی، توسط یکی از والدین شماتت شده، و به وسیله والد دیگر تأیید می‌شود، دچار دوگانگی و تعارض خواهد شد... یکی از سبک‌های تربیتی خانواده‌ها سبک دوقطبی ناهماهنگ است. در این سبک سیاست‌ها، برنامه‌ها و نظریات تربیتی والدین با هم متفاوت است. این نوع تربیت در پیدایش روحیه تعارض درونی کودک تأثیرگذار است. در این خانواده‌ها هر یک از والدین تلاش می‌کنند نظر خود را تحمیل کنند؛ همین امر سبب تعارض و تضاد درونی و سردرگمی کودک در الگوگیری خواهد شد که او را به بی‌ثباتی در هویت و شخصیت می‌کشاند. در مقابل، خانواده‌های بالنده‌ای هم وجود دارند که والدین در شیوه تربیتی خود هماهنگ عمل می‌کنند، انتظارات یکسان و هماهنگی از کودک دارند و در تشویق و تنبیه هماهنگ هستند. در این خانواده‌ها کودک در الگوگیری با مشکل

روبه‌رو نمی‌شود و به روشنی و بدون تعارض، ترس و اضطراب عمل می‌کند (شرقی، ۱۳۹۰) که ثبات هویت و شخصیت کودک ثمره آن است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین تعارضات والدین و افت تحصیلی فرزندان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد (سعادت‌مند، ۱۳۷۶). اگرچه پژوهش‌های انجام شده به تعارضات کلی والدین اشاره دارند، اما تعارض و ناهماهنگی در تربیت نیز از مصادیق آن است. پیامدهای ناهماهنگی والدین در تربیت عبارتند از: احساس تقصیر و گناه در فرزند، تقویت احساس بی‌اعتمادی نسبت به والدین، درون‌گرایی و در خود فرورفتن، تمایل نداشتن به ازدواج و تشکیل خانواده، ناتوانی در تشخیص ارزش‌ها، توجیه اعمال ناشایست در پرتو حمایت یکی از والدین (شرقی، ۱۳۹۰).

۱۰-۴. عدالت در نقش مادری

تبعیض در مسائل فردی، خانوادگی و اجتماعی محکوم و آسیب‌زاست و رعایت عدالت در همه شئون زندگی از جمله تربیت فرزند امری پسندیده است. مادر باید در تربیت فرزندان، عدالت را رعایت کند؛ زیرا بدون آن نمی‌تواند نقش خود را به شایستگی ایفا نماید. تبعیض بین فرزندان موجب بروز بیماری‌های روانی (مطهری، ۱۳۸۵)، ایجاد احساس حقارت و حسادت در یک‌سو و خودبینی، خودمحوری و وابستگی در سوی دیگر می‌شود (محمدزاده، ۱۳۸۴)؛ از این‌رو مادری که به سعادت و سلامت فرزندان خود می‌اندیشد، باید با آنها به عدالت رفتار کند. رعایت عدالت بین فرزندان در منابع اسلامی بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللِّطْفِ؛ با فرزندانان به عدالت رفتار کنید، همان‌گونه که دوست دارید دیگران در میانتان در نیکی و لطف به عدالت رفتار کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳). برقراری عدالت در میان فرزندان عام و فراگیر است و شامل تمام ابعاد مادی، عاطفی و معنوی زندگی درمورد آنان می‌شود. در آموزه‌های دینی رعایت عدالت در ابراز محبت و بوسیدن فرزندان نیز مورد توجه و توصیه قرار گرفته است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ؛ خدای متعال دوست دارد که میان فرزندانان حتی در بوسیدن‌ها به عدالت رفتار کنید» (پابنده، بی‌تا). تبعیض بین فرزندان تأثیر منفی بر آنان خواهد گذاشت، تنفر و کینه‌توزی را در ضمیر آنان بارور خواهد ساخت و به دشمنی پایدار و موضع‌گیری ناسالم هریک علیه دیگری خواهد انجامید؛ از این‌رو در آموزه‌های اسلامی به رعایت عدالت حتی در خرید هدیه نیز توصیه شده است (همان).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف استخراج و تبیین مؤلفه‌های موفقیت در نقش مادری بر منابع اسلامی سامان گرفت. خانواده به عنوان زیربنای جامعه بشری از عوامل اصلی انتقال فرهنگ، سنت و ارزش‌هاست که الگوهای جسمی، عاطفی و شخصیتی کودک به واسطه آن پی‌ریزی می‌شود. در فرآیند رشد و تکامل فرزند، همه اعضای خانواده نقش دارند؛ اما بیشترین سهم تأثیرگذاری وراثتی و تربیتی از آن مادر است. مادر نقش بیشتری در بهداشت، سلامت روان، رشد و تربیت کودک دارد؛ زیرا نخستین رابطه مستقیم کودک با مادر است و دامن پرمهر و محبت او نخستین مدرسه و مرکز تعلیم و تربیت کودک به شمار می‌رود. مادر نیازهای کودک را تأمین می‌کند، به خواسته‌های او پاسخ می‌دهد و کودک از عواطف، احساسات و نگرش‌های او بیشترین تأثیرپذیری را دارد؛ بنابراین وظیفه مادر در برابر کودک بیشتر و سنگین‌تر از دیگران است. مادر بودن یک ارزش به شمار می‌آید که به دلیل ویژگی‌های زیستی و روانی بر دوش زنان نهاده شده است. تعالیم و آموزه‌های اسلامی، جایگاه ویژه‌ای برای مادر در نظر گرفته است. در اهمیت جایگاه مادر و نقش مادری همین بس که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «**الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ**؛ بهشت زیر پای مادران است» (نوری، ۱۴۰۸)؛ همچنین ایشان سعادت و شقاوت فرد را به مادرش نسبت داده، می‌فرماید: «**السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيقُ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ**؛ خوشبخت کسی است که در رحم مادرش خوشبخت شده است و بدبخت کسی است که در رحم مادرش بدبخت شده است» (پابنده، بی‌تا).

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های عیسی‌زاده (۱۳۹۰)، هوشیاری (۱۳۹۲)، علایی‌رحمانی و معتمدلنگرودی (۱۳۹۴)، سراقی و همکاران (۱۳۹۴)، ربانی‌اصفهانی و بانکی‌پورفرد (۱۳۹۵) همسو است. از آنجا که نیمی از جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و بیشتر آنان مادری را تجربه خواهند کرد، باید با وظایف و ویژگی‌های مادر شایسته آشنا باشند. با توجه به اینکه فرزند شایسته پرورش یافته دامن مادر شایسته است و چنین افرادی سلامت جامعه را تأمین خواهند کرد، پس نبود الگویی برای مادر شایسته ضررهای جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. افزون بر آن، امروزه جوامع بشری با انواع نابسامانی‌ها و انحرافات فردی، خانوادگی و اجتماعی روبه‌رو هستند که غالباً از کانون خانواده سرچشمه می‌گیرند. اگر مادر که رکن اساسی و تأثیرگذار در خانواده و تربیت کودک می‌باشد، راهنمایی و اصلاح‌گردد و به شایستگی در نقش خود دست

یابد؛ بیشتر این مشکلات برطرف خواهد شد.

یک مادر برای اینکه بتواند رسالت بزرگ خود را به درستی انجام دهد، باید بینش، کارکرد و ویژگی‌های مطلوبی داشته باشد؛ زیرا موفقیت در نقش مادری نیازمند سلامتی، دانش، مهارت و انگیزش است و فقدان آنها به نقص در قابلیت‌های مادر شدن می‌انجامد. در منابع اسلامی مؤلفه‌هایی برای موفقیت در نقش مادری برای وی بیان شده است. در پژوهش حاضر با توجه به اهمیت و جایگاه مادر در سلامت و رشد همه‌جانبه خانواده و فرزندان مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های موفقیت در نقش مادری براساس منابع اسلامی، شناسایی و استخراج شد. مؤلفه‌های مادر شایسته به چهار بخش زیستی-روانی، شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم و برای هر یک از مؤلفه‌ها، زیرمؤلفه‌هایی استخراج شد:

زیرمؤلفه‌های زیستی-روانی عبارتند از: ۱. سلامت جسمی و ۲. سلامت روانی.

زیرمؤلفه‌های شناختی عبارتند از: ۱. آمادگی شناختی برای مادر شدن و ۲. پذیرش نقش مادری.

زیرمؤلفه‌های عاطفی عبارتند از: ۱. پذیرش قلبی فرزند و ۲. دلسوزی نسبت به فرزند.

زیرمؤلفه‌های رفتاری عبارتند از: ۱. محبت کردن به فرزند؛ ۲. صبر و بردباری؛ ۳. حضور فعال در کنار فرزند؛ ۴. مدارا کردن با فرزند؛ ۵. پاسخ‌گو بودن؛ ۶. پاکدامنی؛ ۷. اعتدال رفتاری؛ ۸. راستگویی و عمل به وعده؛ ۹. هماهنگی با همسر در تربیت فرزند و ۱۰. عدالت در نقش مادری.

منابع

۱. اتکینسون، ریتا و همکاران. (۱۳۸۵). زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران، تهران: رشد.
۲. احدی، حسن؛ بنی‌جمال، شکوه. (۱۳۸۹). روان‌شناسی رشد. تهران: پروین.
۳. امیدوار، بنفشه؛ لبراوایی‌نژاد، شیدا. (۱۳۹۷). «تبیین علی رضایت از نقش مادری: نقش خودکارآمدی مادری و راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان»، زن و جامعه. شماره ۳۶، صص: ۱-۱۶.
۴. امینی، ابراهیم. (۱۳۸۴). آشنایی با وظایف و حقوق زن. قم: بوستان کتاب.
۵. ایلین میویس، هنرینگتون. (۱۳۹۲). روان‌شناسی کودک. ترجمه جواد طهوریان. مشهد: آستان قدس رضوی.
۶. باچر، جیمز و همکاران. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی روانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ارسباران.
۷. برجی‌نژاد، زینب. (۱۳۹۸). «نقش مادر در تربیت فرزند». مطالعات زنان و خانواده. صص: ۲۱۰-۱۸۳.
۸. بستان، حسین. (۱۳۸۵). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. بشیری، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). ارائه الگوی انسان کامل براساس ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اکرم از دیدگاه قرآن و سنت. پایان‌نامه دکتری. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم. (بی‌تا). نهج‌الفصاحه. تهران: دنیای دانش.

۱۱. تونزه جانی، حسین؛ توکلی زاده، جهان شیر؛ لگزبان، زهرا. (۱۳۹۰). «اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور». نشریه افق. شماره ۲. صص: ۵۶-۶۴.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). تفسیر تسنیم (اجمالی). قم: نشر اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). مفاتیح الحیاة. قم: نشر اسراء.
۱۴. حجتی، محمدباقر. (۱۳۸۵). اسلام و تعلیم و تربیت. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. حسینی زاده، سیدعلی. (۱۳۸۵). تربیت فرزند. قم: زیتون.
۱۶. حلی ساز، مریم؛ مظاهری، محمدعلی؛ پناغی، لیلی؛ حسینی، فریبا. (۱۳۹۴). «ارزش‌های فرزندپروری مادران کودکان ۳ تا ۵ ساله» (مطالعه پدیدارشناسانه). راهبرد فرهنگ. شماره ۲۹. صص: ۱۲۱-۱۴۸.
۱۷. خرمائی، فرهاد و همکاران. (۱۳۹۵). «بررسی نقش صبر مادران در پیش‌بینی صبر کودکان دبستانی». اولین همایش ملی نقش و جایگاه مادر. دانشگاه شیراز.
۱۸. دستغیب، سید عبدالحسین. (۱۳۸۵). گناهان کبیره. قم: جامعه مدرسین.
۱۹. دستغیب، سید عبدالحسین. (۱۳۹۳). قلب سلیم. مشهد: هاتف.
۲۰. دشتی، محمد. (۱۳۹۱). مسئولیت تربیت و بررسی نقش زنان و مادران. قم: دفتر تبلیغات.
۲۱. ربانی اصفهانی، حوریه؛ بانکی پورفرد، امیرحسین. (۱۳۹۵). «تحلیل کیفی جایگاه و اخلاق مادری در تفسیر نمونه». فصلنامه اخلاق. شماره ۲۱. صص: ۱۷۹-۲۱۲.
۲۲. رحیمی، حوریه. (۱۳۷۹). «بررسی رشد اخلاقی کودکان ۱۳-۱۲ ساله دارای والدین و محروم از والدین». پایان‌نامه کارشناسی. دانشگاه تهران.
۲۳. سادات، محمدعلی. (۱۳۸۲). اخلاق اسلامی. تهران: سمت.
۲۴. ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
۲۵. سراقی، همایون؛ منیریور، نادر؛ احمدی، محمدرضا؛ حسن‌آبادی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «مادر از نگاه اسلام و روان‌شناسی و تعیین مؤلفه‌های نقش مادری براساس متون دینی». پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده. شماره ۱۴. صص: ۳۴-۱۳.
۲۶. سرتیپی، زهرا؛ سهرابی، فرامرز؛ پسندیده، عباس. (۱۳۹۵). «کارآمدی آموزش صبر براساس مؤلفه صبر در الگوی اسلامی شادکام بر به‌باشی روان‌شناختی زنان خانه‌دار». پژوهشنامه روان‌شناسی اسلامی. شماره ۲. صص: ۴۵-۶۹.
۲۷. سعادت‌مند، نیره سادات. (۱۳۷۶). «بررسی رابطه کارآیی خانواده و سلامت عمومی فرزندان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد رودهن.
۲۸. شاملو، سعید. (۱۳۸۱). بهداشت روانی. تهران: رشد.
۲۹. شاملی، عباسعلی. (۱۳۸۳). «فرآیند تربیت فرزند در اندیشه دینی». مطالعات راهبردی زنان. شماره ۲۴.
۳۰. شرفی، محمد رضا. (۱۳۹۰). با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟. تهران: مؤسسه نشر جهاد دانشگاهی.
۳۱. شمشیری، بابک؛ شیروانی شیرازی، علی. (۱۳۹۰). «مفهوم صبر در قرآن و دلالت‌های فلسفی و تربیتی آن». تربیت اسلامی. شماره ۱۳. صص: ۷۹-۹۸.
۳۲. شولتز، دوان پی؛ شولتز، سیدنی‌الن. (۱۳۹۶). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
۳۳. صالحیان، مرتضی. (۱۳۹۴). «مادر و مادری؛ حقوق و تکالیف». روزنامه کیهان. ش ۲۰۲۹.
۳۴. عظیمی، سیروس. (۱۳۹۱). روان‌شناسی کودک. تهران: معرفت.
۳۵. علاسوند، فریبا. (۱۳۹۹). زن در اسلام (کلیات و مبانی). قم: نشر هاجر.
۳۶. علائی‌رحمانی، فاطمه؛ معتمدلنگرودی، فرشته. (۱۳۹۴). «تعامل و نقش زن در خانواده به مثابه همسر و مادر در پرتو آموزه‌های رضوی». فصلنامه حسنا. شماره ۲۵. صص: ۱۶۲-۱۴۸.
۳۷. علم‌الهدی، سیدمحمد حسن؛ ایمانی خوش‌خو، محمدرسلول؛ متوسل، محمود؛ و مطهری‌نیا، محمود. (۱۳۹۶). «بررسی نقش مادر در سلامت فرزند از جنبه محیط، ژنتیک و اپی‌ژنتیک در منابع اسلامی و علوم جدید». مجله اخلاق و تاریخ پزشکی. شماره ۱۰. صص: ۲۴۰-۲۱۱.
۳۸. عیسی‌زاده، عیسی. (۱۳۹۰). خانواده قرآنی، ویژگی‌ها و وظایف اعضای آن. قم: بوستان کتاب.
۳۹. فوح‌بخش، سعید؛ غلامرضایی، سیمین؛ نیک‌پی، ایرج. (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر تماس پوستی مادر و نوزاد بر دل‌بستگی مادران». فصلنامه اصول بهداشت روانی. شماره ۳۳ و ۳۴. صص: ۳۲-۲۵.

۴۰. فریدمن، جین. (۱۳۸۱). فمینیسم. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: انتشارات آشیان.
۴۱. فقیهی، علی نقی. (۱۳۹۸). تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث. قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
۴۲. فلسفی، محمدتقی. (۱۳۹۵). کودک از نظر وراثت و تربیت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۳. قاسمی، سلیمان. (۱۳۸۲). «آموزه‌های بهداشت و سلامت روان با توجه به سیره علمی و عملی پیامبر و امام علی علیه السلام». پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۴. قائمی، علی. (۱۳۸۷). نقش مادر در تربیت. تهران: امیری.
۴۵. قائمی، علی. (۱۳۸۹). خانواده و تربیت کودکان. تهران: برآبادی.
۴۶. قائمی، علی. (۱۳۹۳). خانواده و مسائل عاطفی کودک. تهران: امیری.
۴۷. کاوه، سعید. (۱۳۸۷). زن بودن یا شدن بررسی عوامل تأثیرگذار در فرایند رشد زنان. تهران: سخن.
۴۸. کدیور، پروین. (۱۳۹۸). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.
۴۹. کریمی، کبری. (۱۳۹۱). بررسی رابطه غفت مادر و تربیت فرزندان. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران (مدرسه عملیه حضرت معصومه).
۵۰. کرین، ویلیام. (۱۳۹۰). نظریه‌های رشد. ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد و علیرضا رجائی. تهران: رشد.
۵۱. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۲۹). کافی. قم: دارالحدیث.
۵۲. مارستون، استفانی. (۱۳۹۸). معجزه تشویق. ترجمه تورانداخت تمدن. تهران: علمی.
۵۳. محمدزاده، راضیه. (۱۳۸۴). مادر اگر اینگونه می‌بود. تهران: منیر.
۵۴. محمدیان، بهرام؛ رحیمی، آسیه. (۱۳۹۰). نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۵۵. مصباح یزدی، محمدتقی و همکاران. (۱۳۷۹). روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.
۵۶. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۳). جرعه‌ای از دریای راز. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۵۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران: صدرا.
۵۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۱). یادداشت‌های شهید مطهری. تهران: صدرا.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۳). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب علیه السلام.
۶۰. منصور، جهانگیر. (۱۳۹۱). قانون مدنی با اصلاحات جدید. تهران: دوران.
۶۱. موسوی، زهرا. (۱۳۸۳). «جدایی مادر از کودک و آثار آن». مجله پیام زن. شماره ۱۴۸.
۶۲. موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۶۳. موسوی مقدم، سیده سمانه؛ تولایی، علی؛ ابوبی مهریزی، حسین. (۱۳۹۳). «تأثیر بیماری‌های جسمی بر سلب حضانت». مطالعات فقه و حقوق اسلامی. شماره ۱۱. صص: ۲۱۱-۲۲۸.
۶۴. میخبر، سیما. (۱۳۸۲). ریحانه بهشتی. قم: نورالزهرا(س).
۶۵. میرخندان، راضیه سادات. (۱۳۹۲). «مادر خوب؛ خانه‌دار یا شاغل؟». مجله پیام زن. شماره ۲۶۱.
۶۶. نراقی، احمد. (بی‌تا). معراج السعاده. تهران: امین.
۶۷. نوابی‌نژاد، شکوه. (۱۳۸۸). سه گفتار درباره راهنمایی تربیت فرزندان. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۶۸. نوری، اعظم. (۱۳۹۳). «نقش مادری در آموزه‌های قرآنی». پژوهش‌نامه زنان و خانواده. شماره ۲. صص: ۹۲-۷۱.
۶۹. نیلی‌پور، مهدی. (۱۳۹۶). فرهنگ فاطمیه. اصفهان: مرکز فرهنگی شهید مدرس.
۷۰. هوشیاری، جعفر. (۱۳۹۲). «ویژگی‌های مادر شایسته در اسلام و روان‌شناسی». رساله علمی سطح سه حوزه. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۷۱. قرآن کریم. (۱۳۹۵). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: دارالقرآن الکریم.
۷۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۵). دعائم الإسلام. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۷۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۷۵. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم. (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: ادب الحوزه.
۷۶. ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین. (۱۴۰۵). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیه. قم: دارسیدالشهداء للنشر.
۷۷. ابن‌فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷). عدة الداعی و نجاح الساعی. بیروت: دارالکتب الإسلامی.

۷۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰). تصنیف غررالحکم و دررالکلم. قم: دارالکتاب الإسلامی.
۷۹. الجرالعاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام.
۸۰. دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲). ارشاد القلوب الی الصواب. بی‌جا. بی‌تا.
۸۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.
۸۲. شبر، عبدالله. (۱۴۲۸). طب الأئمه علیهم السلام. بیروت: دارالإرشاد.
۸۳. شریف‌الرضی. (۱۴۱۴). نهج‌البلاغه. ترجمه و شرح فیض الاسلام. قم: هجرت.
۸۴. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۸۵. فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی‌تا). العین. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۸۶. قمی، عباس. (۱۴۱۴). سفینه البحار. قم: اسوه.
۸۷. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۸۸. لیشی‌واسطی، علی بن محمد. (۱۳۸۷). عیون‌الحکم و المواعظ. تهران: مؤسسه‌البعثه.
۸۹. متقی، علی بن حسام‌الدین. (۱۴۱۹). کنز‌العمال فی سنن‌الاعمال و الافعال. بیروت: دارالکتب‌العلمیه.
۹۰. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار‌الانوار. بیروت: دار‌احیاء‌التراث‌العربی.
۹۱. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۵). التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۹۲. نجفی، شیخ محمدحسن. (۱۳۹۳). جواهر‌الکلام. تهران: المکتبه‌الاسلامیه.
۹۳. نوری، حسین. (۱۴۰۸). مستدرک‌الوسائل. بیروت: مؤسسه آل‌البتیت لاحیاء‌التراث.
۹۴. وطن‌دوست، رضا؛ ایروانی، جواد؛ جلاتیان، علی و همکاران. (۱۳۸۷). فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۹۵. یعقوبی، احمدبن اسحاق. (بی‌تا). تاریخ‌الیعقوبی. بیروت: دار‌صادر.